

مناظره ۱۴۰۰



آمنون
۱۴۰۰

جمهوریت،

- چرا روسای جمهور منفور می شوند؟!
- در چالش مشارکت و مشروعیت
- مشارکت سیاسی زنان در ایران
- بایسته های انتخاب مطلوب در نگاه رهبری
- آنچه باید درباره نامزدهای انتخابات بدانید
- بایسته های اخلاقی در رقابت انتخاباتی
- اقشار آسیب پذیر، حلقه مفقوده مناظرات ۱۴۰۰
- حاشیه امن قالیباف، بدون شفافیت و پاسخگویی

شماره نهم | خرداد ۱۴۰۰

ماشاالله خط پشعی



فهرست

- ۱ در چالش مشارکت و مشروعیت
- ۴ چرا روسای جمهور منفور می شوند
- ۶ آنچه باید درباره هفت نامزد ریاست جمهوری بدانیم
- ۹ حاشیه امن قالیباف ، بدون شفافیت بدون پاسخگویی
- ۱۱ مشارکت سیاسی زنان در ایران
- ۱۳ اخلاق انتخاباتی در ایران
- ۱۴ اقشار آسیب پذیر ، حلقه مفقوده مناظرات
- ۱۶ بایسته های انتخاب مطلوب در نگاه رهبری

ماهنامه خط بهشتی شماره نهم | خرداد ۱۴۰۰

دانشگاه علوم قضایی و خدمات
اداری دادگستری

نیما صوری

صادق بشیره

مرتضی بابایی فر

علی بیات

مرتضی پور عزیز

حسین درودی

حامد رسولخانی

ساوالان محمد زاده

حامد محیطی

آرش وثاقتی جلال

صاحب امتیاز :



مسئول :



سر دبیر :



اعضای تحریریه :



(به ترتیب حروف الفبا)

سجاد خلوصی

طراح و گرافیست :



چیزی را تحمیل کنیم (صحیفه ج ۱۰ ص ۱۸۱)
این دسته از فقها ضمن پذیرفتن نقش مردم در بسط ید حاکم، بر این باورند که مشروعیت مترادف با مقبولیت نخواهد بود. لکن حتی ایشان هم منکر نقش مردم در استقرار و بویژه ادامه حیات حکومت دینی نیستند

نظریه انتخاب: در مقابل عده ای از فقهای عظام بر این باورند حکومت در عصر غیبت مشروعیت خویش را از رای مردم دریافت خواهد کرد. فلذا خدای عزوجل فقهای جامع شرایط را به نصب عام منصوب نکرده

بلکه تنها صفات و شرایط حاکم را عنوان نموده و این مردم اند که با در نظر گرفتن این صفات او را به زعامت جامعه انتخاب خواهند کرد.

لکن تحقق مشروعیت دو پیش شرط اساسی خواهد داشت:

- مقبولیت
- وجود شرایط موصوف در حاکم

حضرت آیت الله خامنه ای در کتاب ولایت و حکومت در خصوص تشریح این دو پایه مشروعیت می فرمایند؛
"اگر کسی که برای حکومت انتخاب می شود از تقوا و عدالت برخوردار نبود نه تنها اکثریت بلکه همه مردم هم که بر او اتفاق کنند از نظر اسلام حکومت، حکومت نامشروعی است. اگر مردم آن شخصی را که دارای ملاکهای حکومت است نشناختند و او را به حکومت نپذیرفتند او حاکم نیست." (ولایت و حکومت ص ۱۷۸ و ۲۶۰)

شهید آیت الله بهشتی در مبانی نظری قانون اساسی می نویسد؛
"بر طبق مبانی اسلامی در عصر ما حکومت صرفاً باید سمت و قدرت خویش از آراء مردم بگیرد، کسی حق دارد زمامدار مردم باشد که برگزیده مردم یا لاقلاً پذیرفته مردم و مورد حمایت مردم باشد. هیچ کس حق ندارد بر طبق مبانی اسلامی ولایت قدرت و زمامداری خودش را بر مردم تحمیل کند؛ برخلاف رضایت آنها و برخلاف پذیرش و حمایت آنها و بر خلاف انتخاب آنها!"

البته ایشان در بیان اهمیت شرط دوم که آنرا "اصل تعهد نسبت به تعالیم اسلام" معرفی می کنند می گویند؛
"هر حکومتی که بر اساس رای آزاد مردم سرکار بیاید می تواند جمهوری اسلامی باشد؟ خیر، این شرط لازم هست ولی شرط کافی نیست! شرط دوم آن است که وقتی اکثریت مردم یک کشور مسلمانند این مسلمانها اگر فرد یا گروهی را با رای



در چالش مشارکت و مشروعیت

مشارکت پایین آیا منجر به نا مشروعیت حکومت خواهد شد یا خیر؟

علی سواری | دانشجوی کارشناسی دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری

از منظر حضرت آیت الله خامنه ای، مشارکت آحاد مردم در انتخابات مبین نتایج ذیل خواهد بود. همراهی ملت با حاکمیت [۱۰/۱۲/۱۳۹۰] اعتماد مردم به نظام [۲۰/۶/۱۳۸۸] بیمه شدن کشور در برابر هجمه های داخلی و خارجی و مایوس ساختن دشمنان [۳۱/۲/۱۳۷۶] و نهایتاً تقویت پایه های مشروعیت نظام [۱۷/۳/۱۳۹۶]

در باب تفسیر واژه مشروعیت مذکور در بیان معظم له، عده ای قائل به این هستند که مشروعیت به معنای مقبولیت و پذیرش اجتماعی آن حکومت محمول است و به بیانی دیگر، آنچه از این گزاره مستفاد می گردد مشروعیت سیاسی است نه مشروعیت فقهی! در مقابل عده ای اشعار می دارند کاهش مشارکت مردم، مشروعیت حکومت را از نظر مبانی اسلامی با تزلزل مواجه خواهد ساخت. اختلافات مستحدثه منبعث از تفاوت دیدگاه های فقهی در تعریف منبع مشروعیت حکومت می باشد، که در جهت تبیین آن دو نظریه انتصاب و انتخاب پدید آمده اند.

نظریه انتصاب: اکثریت فقهای شیعه مشروعیت حکومت را بر گرفته از نصب الهی می دانند و معتقدند همان گونه که در حضور معصوم مردم منشا مشروعیت نبوده شارع مقدس در عصر غیبت برای تأیید یا انتخاب مردم در مشروعیت حکومت اثری مترتب نمی سازد. لکن مردم در عینیت بخشی و استقرار حکومت نقش اساسی خواهند داشت.

از سردمداران این نظریه حضرت امام (ره) بود که در راستای اهمیت حضور مردم میفرمایند: ما بنای بر این نداریم که یک تحمیلی بر ملتمان بکنیم. اسلام به ما اجازه نداده است که دیکتاتوری بکنیم. ما تابع آراء ملت هستیم. ملت ما هر طور رای داد، ما هم از آن ها تبعیت می کنیم. ما حق نداریم، خدای تعالی به ما حق نداده است که بر ملتمان

در منطق اندیشه اسلامی آنچه که برای حاکمان جامعه در اولویت باید باشد رشد فهم جمعی مردم است نه چند دوره بیشتر بر شتر حکومت لجام زدن!

شهید آیت الله مطهری معتقد بود اساسا یکی از مسائلی که در آن اجبار راه ندارد مسئله هدایت است و می فرمود: "مثلا انتخابی مانند انتخاب وکیل مجلس می خواهد صورت بگیرد ممکن است شما که در فوق این جمعیت قرار گرفته اید حسن نیست هم داشته باشید و واقعا تشخیص شما این باشد که خوب است این ملت فلان فرد را انتخاب کنند اما اگر شما بخواهید این را به مردم تحمیل کنید این ها تا دامنه قیامت مردمی نخواهند شد که این رشد اجتماعی را پیدا کنند باید آزادشان گذاشت تا انتخاب کنند به اشتباه خودشان پی ببرند تا تجربیاتشان کامل شود و الا اگر به بهانه این که این ملت رشد ندارد و باید به او تحمیل کرد، آزادی را برای همیشه از او بگیرند این ملت تا ابد غیر رشید باقی می ماند و رشدش به این است که آزادش بگذاریم ولو در آن آزاده ابد ابتدائا اشتباه هم بکند صد بار هم اگر اشتباه کند باز باید آزاد باشد" (آینده انقلاب اسلامی ص ۳۱۶)

فلذا ملحوظ است امام ره به پشتوانه رشد مردم می فرمود: "اکثریت هر چه گفتند آراشان معتبر است ولو به ضرر خودشان باشد. (مورخ ۲۷ / ۵ / ۵۸)"

در کلام آخر به این دوستان معروض می دارم برای همین مواضع است که مردم به شما ها روی خوش نشان نمی دهند.

شورای نگهبان ضامن سلامتی و مشارکت بالا در انتخابات:

پس از شناخت اهمیت مشارکت حداکثری باید عنوان کرد آیا نهاد یا ارگانی در جمهوری اسلامی مسوول جلب مشارکت حداکثری بوده یا در این قسمت قائل به خلا ساختاری خواهیم بود؟

به باور نویسنده، شورای محترم نگهبان قادر خواهد بود با ایجاد فضای باز سیاسی و حضور همه سلاقی و طیف های سیاسی، مردم را به پای صندوق رای بکشاند!

رهبر معظم انقلاب در اجرای بند یک اصل ۱۱۰ قانون اساسی بموجب بند های ۸، ۹ و ۱۱ سیاست های انتخابات در سال ۱۳۹۵، "جلب مشارکت عمومی" را یکی از توابع و نتایج فعالیت شورای محترم نگهبان دانسته اند؛

بند ۸: "ارتقاء سطح شناخت و آگاهی و آموزش های عمومی به منظور افزایش مشارکت و حضور آگاهانه و با نشاط مردم و کمک به انتخاب اصلاح"

بند ۹: "تعیین چهارچوب ها و قواعد لازم به نحوی که رقابت های انتخاباتی منجر به افزایش مشارکت آگاهانه، اعتماد، ثبات و اقتدار نظام شود."

بند ۱۱: "نظارت شورای نگهبان بر فرایندها، ابعاد و مراحل انتخابات به منظور تأمین سلامت انتخابات، جلب مشارکت حداکثری و تأمین حقوق داوطلبان و رأی دهندگان با شرایط ذیل صورت گیرد..."

آزاد برای زمامداری انتخاب کردن خودبه خود از این زمامدار می خواهند که این حکومت خودش را در اداره مملکت نسبت به مقررات تعالیم اسلامی ملتزم و متعهد بداند مدعی باشد که جامعه و کشور را بر مبنای تعالیم سعادت بخش اسلام اداره می کند. "مبانی نظری قانون اساسی صفحات ۱۵ الی ۲۰"

شهید بهشتی حکومتی را که برخلاف پذیرش و انتخاب مردمش گام برمی دارد و امری را به ایشان تحمیل میکند را مستکبر عنوان میکند. بنابراین برابر این نظریه، حکومتی که دستش را از دست جمهوریت رها کرده باشد از جهت مبانی فقهی یک پای مشروعیتش می لنگد! این بمعنای آن نخواهد بود که در صورت کاهش شدید مشارکت در انتخابات ۱۴۰۰ باید حکم به سقوط مشروعیت نظام جمهوری اسلامی صادر کرد، خیر بلکه زنگ خطری است برای کسانی که با انتخاب مطلوب بر سر مشارکت حداکثری کوفتند.

ستیز حکومت و جمهوریت: میگویند حکومت برای مردمی که نمی فهمند باید تصمیم بگیرد

امروزه و در خصوص انتخابات جریاناتی به خود این جسارت را می دهند برخلاف تاکیدات امامین انقلاب بر روی مسئله مشارکت، با دلایلی نظیر: "مشارکت همیشه هم مشروع نیست" یا "مردم با یزید هم بیعت کردند" به پیکار با خواسته عمومی بروند، حال آنکه امام روح الله، مردمی که با درایت و رشد سیاسی خود اسلام را به اریکه قدرت نشانند را ملتی فهیم می دانست و در جریان حماسه های مختلف از ایشان تقدیر بعمل می آورد و حتی در ابتدای استقرار جمهوری اسلامی می فرمود: ملت می شناسد افراد صالح را، لازم نیست که حالا یک چند سال هم ما درسشان بدهیم. نخیر خودشان می فهمند. می فهمند کی آدم صالح است کی آدم ناصالح. (مورخ ۱۶ / ۸ / ۵۸)

فلذا در باور امام (ره) چنین مردمی چون آزادند قهرا انسان صالحی را انتخاب می کنند و در رای ایشان اشتباه راه ندارد (مورخ ۱۰ / ۱۰ / ۵۷) چه برسد به اینکه بر خلاف شرع اجتماع کنند!

مع الوصف در نظام جمهوری اسلامی به برکت حضور اصل مترقی شورای نگهبان امکان انتخاب نامشروع و بیعت با یزید وجود نخواهد داشت اما اینها از بیان این جملات در صد آن اند که بگویند: "نباید زیاد این مردم را آدم حساب کنیم و داخل بازی خودمان راهشان بدهیم"

ممکن است این دوستان از پاسخ وامانده، در مقام جواب بر بیایند که: "خیر در آن زمان مردم رشید بودند و امروز رشدشان محرز نیست!!" به ایشان خواهیم گفت: پس طی این ۴۲ سال چه کسی مسوول رشد این امت نافهم بوده است که با مضمی این زمان هنوز باید برای این محجورین بسان یک قیم تکلیف تعیین کنیم؟

فلذا در بررسی این عناوین کلی نمی شود صفر و صدی عمل کرد بلکه باید با رعایت مسامحه و مصلحت اندیشی گام برداشت . برای مثال برابر اصل ۱۱۵ قانون اساسی یکی از عناوینی که باید در نامزدهای متقاضی شرکت در انتخابات بررسی شود "تقوی" است . تقوی تعریف شده به عدم اصرار بر صفات و عدم ارتکاب کبائر ; حال چنانچه فردی در تمام دوره مدیریتی خود دروغی به زبان آورده باشد صلاحیتش احراز نخواهد شد؟ یا بعنوان مثال جناب روحانی که در سال ۱۳۹۶ صلاحیتشان تایید شد در طول ۴ سال حکمرانی خود حتی یک دروغ به زبان نیاورد؟ آیا ایشان در تمامی این ایام ملتزم به ولایت فقیه بوده و گردن به حکم ایشان نهاده بود؟

مشارکت حداکثری معلول شرایط اقتصادی یا فضای باز سیاسی؟

در پایان درصدد بررسی لوازم و مقدمات مشارکت حداکثری بر خواهیم آمد .

بنابر ادله شرعیه فرمایش ولی فقیه را بر خودم لازم الاتباع می دانم لکن عرایض پیشرو صرفاً در راستای بررسی کارشناسانه موضوع ذکر خواهد شد . علیرغم اعتقاد بسیاری از دوستان مبنی بر معلق بودن مشارکت در انتخابات بر متغیرات اقتصادی نگارنده متن ، بر این باور است که حضور کاندیداهایی از همه تفکرات و نمایندگانی از همه سلاقی سیاسی مولد مشارکت هر چه بیشتر خواهد بود و وضعیت اقتصادی علت تامه نخواهد بود ; به بیان دیگر زمانی که همه تفکرات فرصت عرض اندام در صحنه قدرت را بیابند طرفداران این دسته های فکری ناگزیر بجهت به کرسی نشاندن اعتقاداتشان و اعمال حق دخالت خود در اداره کشور به رای دادن مجاب خواهند گشت . از مویذات این نظریه می توان به مشارکت ۸۰ درصدی مردم در انتخابات ریاست جمهوری ۱۳۷۶ بعد از تورم ۵۰ درصدی دولت مرحوم هاشمی اشاره کرد .

اساساً ناراضیاتی مردم از دولت منتخب در قدرت به افزایش مشارکت بدلیل اعتراض به وضعیت موجود و روی کار آوردن جناح مقابل دولت منجر خواهد شد نه کاهش رای !

ایالات متحده آمریکا در ۲۹ اکتبر ۱۹۲۹ موسوم به سه شنبه سیاه با سقوط بازار سهام با بزرگترین بحران مالی در تاریخ خود مواجه شد تا آنجا که سال ۱۹۳۳ بدترین نقطه رکود بزرگ نامگذاری شده است . در این سال جمعیت بیکار آمریکا به ۱۳ میلیون رسید و نیمی از بانک ها به ورشکستگی کشیده شده بودند .

علیرغم ناراضیاتی های عظیم اقتصادی نرخ مشارکت مردم در انتخابات سال ۱۹۳۲ ایالات متحده آمریکا به حدود ۵۳ درصد رسید و تنها شاهد کاهش ۴ درصدی نسبت به مشارکت در انتخابات قبلی بود که این رقم در انتخابات ۱۹۳۶ به ۵۷ درصد افزایش یافت . (presidency.ucsb.edu)

کارشناسان عدم کاهش مشارکت در انتخابات آمریکا در دوره رکود بزرگ را مرهون جنبش های وسیع مردمی علیه بیکاری

بنابراین با قبول اینکه سهمی از تکلیف حفظ مشارکت حداکثری ناظر به مردم خواهد بود (بنابر فتوای رهبر معظم انقلاب، حضور در انتخابات واجب شرعی قلمداد می شود) سهم عمده ای از این تکالیف که همانا فراهم ساختن امکان حضور سلاقی مختلف و بالتبع امکان انتخاب های گوناگون که لازمه انتخابات می باشد، منتظر به شورای نگهبان خواهد بود.

وقتی نامزدی که به دنبال خود عقبه مردمی کثیری را بهمراه دارد را از گردنه رقابت خارج کنیم ، حق این مردمان را در تعیین سرنوشت خود زیرپا خواهیم گذاشت ! مضافاً در فرض مذکور ایشان دلیلی برای حضور در انتخابات پیدا نخواهند کرد.

در جریان انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۸۴ و بدنبال درخواست آقای حدادعادل، رهبر انقلاب با اشاره به اهمیت حضور طیف های مختلف سیاسی در انتخابات از شورای نگهبان خواستار تایید صلاحیت دو تن از نامزد های اصلاحطلب شدند .

(نامه رهبری در خصوص تایید صلاحیت آقایان معین و مهرعلیزاده مورخ ۱۳۸۴/۳/۲)

دوگانه مر قانون و مصلحت: دوگانه کاذب

با مطالعه سطور گذشته و پذیرفتن جایگاه شورا در جلب مشارکت عمومی این توهم ایجاد خواهد شد که فلسفه موجودیت شورای نگهبان شان نظارتی او در تطبیق نامزدهای انتخاباتی با معیار های قانونی می باشد، پس آیا شورا مکلف است بابت راضی نگه داشتن جمهوریست شرمنده قانون و شرع بشود و از زیربار مسئولیت قانونی و شرعی خود شانه خالی کند؟ در مقام پاسخ ابتدا به کلمات امام و آیت الله جنتی رجوع کرده و بعد از آن سراغ یک استدلال خواهیم رفت .

امام راحل در قالب نامه به اعضای مجمع تشخیص مصلحت نظام در عنوان میکنند ; "تذکری پدران به اعضای عزیز شورای نگهبان می دهم که خودشان قبل از این گیر ها مصلحت نظام را در نظر بگیرند"(نامه امام ره به اعضای مجمع تشخیص مورخ ۱۳۶۷/۱۰/۸)

دبیر محترم شورای نگهبان آیت الله جنتی در خصوص انتخابات خبرگان سال ۱۳۸۵ فرمودند ; "اقداماتی انجام شده که حوزه های انتخابی غیر رقابتی از این وضعیت خارج شوند." مخاطب محترم توجه می کند که رقابتی تر کردن انتخابات چیزی غیر از رعایت مر قانون و همانا عمل به مصلحت می باشد . (مورخ ۱۳۸۵/۹/۵)

اینجانب به لحاظ حقوقی معتقدم دوگانه های مصلحت مر قانون دوگانه غیر واقعی است چراکه اساساً قانون در این مورد به نحوی تقنین و تصویب یافته که رعایت قانون با مصلحت سنجی تلازم دارد ; چه آنکه ملاکات و مناطاتی که در احراز صلاحیت باید بررسی شود ملاکات کیفی است نه کمی !

مشارکت بی نظیر مردم باشیم. برخلاف التزام به ولایت فقیه و تقوی، مصلحت حدود و تعریف کاملاً مشخصی دارد که آن حفظ نظام اسلامی است: یعنی هر آنچه که به موجودیت واقتدار نظام خلل وارد سازد محکوم است به نفع مصلحت نظام کنار بکشد. با عنایت به این نکته در فرض موجود که با پایین آمدن مشارکت مردمی مشروعیت نظام تاحدی مورد سوال واقع خواهد داد، بررسی صلاحیت نامزدی که با اقبال مردمی کثیری مواجه خواهد شد بایستی با مسامحه بیشتری صورت پذیرد.

با توجه به عدم وجود نمایندگان همه طیف های سیاسی در انتخابات ۱۴۰۰ پیشبینی می شود شاهد کاهش مشارکت مردمی تا ۴۰ درصد باشیم. فلذا ضرورت اندیشیدن تمهیداتی جدی در جهت وضع و اصلاح قوانینی که شرایط احراز صلاحیت ها و کارکرد شورای نگهبان در این زمینه را تبیین می کند درک می شود. بدین منظور امید می رود نهاد های تقنینی با تعریف مشخص حدود ملاکات مورد ارزیابی در احراز صلاحیت ها قصور خود در کاهش مشارکت مردم را جبران نمایند.

می دانند که موجب افزایش هیجان انتخابات شده بود. تا جایی که تنها در شهر شیکاگو در حفاصل سال ۱۹۲۹ الی ۱۹۳۴ ۳۱۰ گردهایی، راهپیمایی، جلسات سازمانی، تظاهرات و دیگر اقدامات توسط احزاب مختلف برگزار شد. (depts.wash-ington.edu)

جمع بندی

در این نوشتار بیان گردید که حضرت آیت الله خامنه ای، شهید آیت الله بهشتی و عده ای دیگر، مردم را یک پایه مشروعیت فقهی حکومت می دانند نه صرفاً یک مشروعیت سیاسی. عالی ترین جلوه مشارکت مردم در اداره کشور حضور در انتخابات خواهد بود پس شورای نگهبان موظف است با رعایت ملزومات مشارکت حداکثری مردم را هم در اداره کشور دخیل کند.

علی هذا معتقدیم در شرایط نقص قوانین و فقدان معیار های مشخص برای احراز صلاحیت داوطلبین، باید با عمل به مصلحت و توسعه دایره شمول برخی از این معیار ها شاهد احراز صلاحیت نامزد های دیگر و به دنبال آن شاهد

برای بررسی علت منفوریت باید به انتخابات های ریاست جمهوری پس از جنگ و به تبع دولت های شکل گرفته مراجعه ای تاریخی-تحلیلی برای حال داشت. اما از آنجایی که انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۶۸ که منجر به روی کار آمدن اکبر هاشمی رفسنجانی شد به علت اینکه وی تنها یک رقیب نه چندان مشهور و نه چندان قوی داشت و چندان رقابتی نبود و در دور بعد (انتخابات ۷۲) نیز به علت وجود رقیبی مخالف دولت وقت به نام احمد توکلی (البته ۲ نامزد نه چندان قوی دیگر

نیز حضور داشتند) با ریزش آرا مواجه شد و با رأیی کمتر از دور قبل به ریاست جمهوری رسید، دولت سازندگی را از این بررسی حذف کرده و به تحلیل چرایی افول محبوبیت سه رییس جمهور پس از آن، یعنی خاتمی، احمدی نژاد و روحانی می پردازم.

اول از همه به این سوال که چرا این ۳ رییس جمهور ناگهان محبوب شده و رای آوردند پاسخ می دهم تا بتوان متوجه شد که اساساً این محبوبیت زایل شده از کجا ناشی می شود؛ به طور کلی چند عامل را می توان بر شمرد.



در سال های بعد از جنگ، رؤسای جمهوری همواره با آرای بالایی سرکار آمده اند و حتی در دور دوم انتخابات آراییی بیش از دور اول کسب کردند (به استثنای هاشمی رفسنجانی که در دور دوم با ریزش ۵ میلیونی و ۳۲ درصدی آرا مواجه شد). اما سؤال این است که چرا رؤسای جمهوری که با آرای بالا در دو دوره متوالی سرکار می آیند، در پایان دولت خود این چنین منفور می شوند که مردم موعد پایان دولت آنها را روز شماری می کنند و از مجلس مطالبه استیضاح آنها را می کنند؟ و چه کنیم که مانع تکرار رؤسای جمهور منفور شویم؟

خود و دخترش از لیست اصلاح طلبان بیرون ماندند و نفر سی ام تهران شد! در نتیجه این عوامل، احمدی نژاد که در مرحله اول انتخابات ۸۴ رای کمتری نسبت به هاشمی رفسنجانی داشت، در رویارویی مرحله دوم با بیش از ۷ میلیون اختلاف رای، هاشمی را شکست داد.

روحانی نیز فردی بود که علیرغم نزدیکی او به برخی اصولگرایان در سال های قبل، در ابتدای دولت احمدی نژاد پس از ۱۶ سال از دبیری شورای عالی امنیت ملی (که توسط رییس جمهور معرفی می شود) کنار رفته بود و توانست با حمایت های اصلاح طلبان که اصلی ترین مخالفان دولت احمدی نژاد بودند، خود را اصلی ترین مخالف و منتقد وضع موجود معرفی کند.

● **رقیب خود را کاندیدای نظام نامیدن:** یکی از ترفندها برای جذب آرا و حتی برانگیختن آرای خاکستری این بوده که با مظلوم نمایی بدین شکل که رقیب خود را نامزد نظام نامیدن و این ادعای غیر واقعی که نظام تلاش می کند تا رقیب رای بیاورد، آرای خود را بالا ببرند. از انتخابات ۷۶ که شائبه تقلب به نفع ناطق نوری (رقیب اصلی خاتمی) و خطبه نماز جمعه هاشمی رفسنجانی یک هفته پیش از روز انتخابات در تایید تلاش برخی برای دخالت در انتخابات تا رقیب هراسی روحانی در هر دو انتخابات ۹۲ و علی الخصوص ۹۶ مؤید این گزاره است. حتی طرفداران احمدی نژاد هم در انتخابات ۸۴ با القای این مدعا که هاشمی رفسنجانی نماد و جلوه نظام است به صورت غیر مستقیم از همین عامل استفاده بردند. گویا مدعیان فراموش کرده اند که اگر نظام کسی را برای تصدی ریاست جمهوری قبول نداشته باشد، اساساً وی را تأیید صلاحیت نمی کند.



● **بهره گیری از شیوه های خاص رسانه ای و تبلیغاتی و ستادی برای تاثیر بر مخاطب:** از جذب سلبریتی ها تا ستادهای مختلط و شبه جشن تولدی! با حضور افرادی که عمدتاً در چارچوب های انقلابی و مؤمن قرار نمی گیرند و حتی سابقه و دانش برجسته سیاسی ندارند تا تعیین رنگ های شاد به عنوان رنگ انتخاباتی و شعارهای جوان پسند و پخش ساز و آواز و موسیقی در ستادها و سفرهای استانی، حتی در مواردی نامزد ها در قامت اپوزیسیون نظام نیز ظاهر شده اند.

● **مخالفت با وضع موجود:** با نگاهی به سه انتخاباتی که منجر به روی کار آمدن این سه رییس جمهور شد، متوجه می شویم که آنها در زمان انتخابات، خود را مخالف وضع موجود نشان دادند و از آنجایی که رؤسای جمهور قبل از آنها با افت محبوبیت مواجه بوده، مخالفین وضع موجود توانستند از این طریق رای مردم را کسب کنند. خاتمی که در سوم خرداد ۷۱ به دلیل زاویه داشتن با سیاست های فرهنگی وقت از وزارت ارشاد استعفا داده بود از اعضای مجمع روحانیون مبارزی بود که در انتخابات مجلس چهارم، صندلی های خود را به اصولگرایان (راست های آن زمان که با شعار حمایت از هاشمی در مجلس چهارم روی کار آمده آمدند) واگذار کرده بودند، وارد کارزار انتخابات ریاست جمهوری ۷۶ شد. علاوه بر آن حزب تازه تاسیس کارگزاران سازندگی (که موسسان آن از نزدیکان هاشمی بودند) توانسته بود اقلیت موثری را در مجلس پنجم به دست آورد: از فائزه هاشمی که در انتخابات مجلس پنجم آرای نزدیک به ناطق نوری (رییس مجلس چهارم و پنجم) داشت تا عبدالله نوری و مصطفی معین وزیر کشور و آموزش عالی (وزارت علوم فعلی) که در دور دوم ریاست جمهوری هاشمی رفسنجانی کنار گذاشته شدند. این حزب نیز به حمایت از خاتمی و مخالفت با ناطق نوری، رییس مجلس وقت پرداختند. به همه اینها باید اضافه کرد که دولت سازندگی به مخالفان و منتقدانش بهایی نمی داد و حتی با آنها برخورد هایی نیز داشت و از این حیث در آزادی همچون سایر عملکرد هایش نمره قبولی نمی گرفت و همچنین سیاست های تعدیل اقتصادی موجب تورم و افزایش قیمت افسار گسیخته و بی سابقه ای شد که البته این سیاست های اقتصادی موجب اعتراضات خیابانی در شهر های مشهد و چهاردانگه و اسلامشهر شده بود. خاتمی نیز از این اتفاقات استفاده کرده و اولویت خود را بر توسعه سیاسی و تشکیل جامعه مدنی معرفی کرد. شعار هایی که تا آن زمان مغفول بودند.

احمدی نژاد هم که پیش از ریاست جمهوری کاندیدای مجلس ششم بود و در لیست اصولگرایان قرار گرفت اما همچون اکثر راستی ها شکست خورد و از ورود به مجلس بازماند. مجلسی که انتقادات و حواشی زیادی را به همراه داشت. با فتح شورای شهر دوم توسط آبادگران، وی به سمت شهرداری تهران رسید. در دوران شهرداری نیز مخالفت هایی با دولت وقت از خود نشان داد.

در مرحله دوم انتخابات ۸۴ (که تنها انتخابات دو مرحله ای ریاست جمهوری تاریخ ایران است) او در برابر رقیبی قرار گرفت که آن زمان از جایگاه بالایی در نظام برخوردار بود و به دلیل حضور مستمر در پست های کلیدی نظام و حمایت از خاتمی، نماد وضع موجود شناخته می شد: هاشمی رفسنجانی! البته هاشمی رفسنجانی در دوره اصلاحات سیبیل حمله اصلاح طلبان بود و علاوه بر نقد های تند روزنامه های اصلاح طلب به عملکرد وی، در انتخابات مجلس ششم،

شده و فرد منتخب به آنها آنطور که باید و شاید عمل نکرده، در کوتاه مدت به منفوریت رییس جمهور سرکار آمده و در بلند مدت به سرخوردگی اجتماعی و ناامیدی از فرآیند دموکراتیک انتخابات ریاست جمهوری می انجامد که ضربات این امر به نظام و کشور غیر قابل انکار است.

برای جلوگیری از تکرار رؤسای جمهور منفور و تبعات منفی آن لازم است که ترفند های تبلیغاتی و پروپاگاندهای رسانه ای برخی نامزدها به مردم معرفی شده و با یادآوری عواملی که باعث شکل گیری محبوبیت های کاذب می شوند، رؤسای جمهوری انتخاب شوند که بجای حرف های عوام فریبانه، برنامه و سابقه معین و دقیق و قابل دفاع دارند و نه به مردم امید واهی می دهند و نه برای رأی آوردن محبوبیت کاذب ایجاد می کنند.

قدر مسلم اینکه موارد دیگری را نیز می توان به این سه عامل اضافه کرد اما در همینجا بنا به موضوع به همین سه عامل کلیدی بسنده کرده و ذکر سایر عوامل را به خواننده واگذار می کنم.

با نگاهی به عوامل محبوبیت سه رییس جمهور اخیر می توان فهمید که این محبوبیت ها هیجانی، گذرا و اصطلاحاً انتخاباتی بودند؛ به عبارت دیگر اصولاً این محبوبیت های کاذب نمی توانند محبوبیت های دائمی ایجاد کنند و صرفاً تا روز انتخابات به کار می آیند و از فردای انتخابات بلا استفاده می شوند و واقعیت ها رخ می نمایند. پس از مدتی نیز توخالی بودن بیشتر آنها مشخص شده و در کنار ضعف عملکرد دولت ها در حوزه های مختلف و از طرف دیگر با از بین رفتن توقعات متعددی که در زمان انتخابات وعده داده

اگر نگوییم مهم ترین، یکی از مهم ترین ملاک های انتخاب اصلح، شناختن هر چه بیشتر سوابق افرادی است که مطابق با قانون اساسی باید حسن سابقه و امانت داشته باشند. ریاست جمهوری، امانتی است که به یک رئیس جمهور سپرده می شود و لذا چنین شخصی به لحاظ سوابق نباید تیرگی و تاریکی داشته باشد؛ تا امید آن برود که به خوبی این امانت را نگهداری خواهد کرد.

به این دلیل، بر آن شدیم تا با سوابق کاندیدا ها هر چه بیشتر آشنا شویم و همچنین سعی کردیم بر مناظرات

گذشته نگاهی تحلیلی داشته باشیم تا بتوانیم انتخاب اصلح و بهتر را برای خود، ایران و اسلام داشته باشیم.

سعید جلیلی

سعید جلیلی در ۱۵ شهریور ۱۳۴۴ در شهر مشهد به دنیا آمد. آقای جلیلی تحصیلات دانشگاهی خود را در رشته معارف اسلامی علوم سیاسی تا مقطع دکتری در دانشگاه امام صادق به پایان رسانیده اند. دکتر جلیلی سابقه حضور در جبه های حق علیه باطل را نیز داشته اند. ایشان سابقه ۱۸ سال حضور در وزارت خارجه جمهوری اسلامی ایران را دارند. از جمله مهم ترین سوابق ایشان می توان به رییس اداره بازرسی وزارت خارجه در سال ۱۳۷۰، معاون اداره اول آمریکا در وزارت خارجه در سال ۱۳۷۶، مدیر بررسی های جاری دفتر رهبری در سال ۱۳۸۰، معاون اروپا و آمریکای وزارت امور خارجه در سال ۱۳۸۴، دبیر شورای عالی امنیت ملی در سال ۱۳۸۶ اشاره کرد.



آنچه باید درباره هفت نامزد ریاست جمهوری بدانیم

حامد رسولخانی | دانشجوی کارشناسی ارشد مدیریت اصلاح و کفبر های قضایی دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری

بلاخره زمان گذشت و گذشت و ما به چند قدمی انتخابات ریاست جمهوری ۱۴۰۰ رسیده ایم. ماییم و یک انتخاب. انتخابی که به نظر قریب به اتفاق کارشناسان یکی از مهم ترین انتخاب های ملت ایران است. انتخابی که ممکن است ادامه دهنده وضع موجود باشد و یا اینکه تحول آفرین باشد و به گونه ای انقلابی و جهادی وضع موجود کشور را بهبود ببخشد و سبب رونق تولید و اقتصاد و عزت ایران اسلامی در صحنه های جهانی باشد. پس تصمیم تک تک ما مهم و ارزش آفرین است. در این انتخاب باید به فکر آینده بود. آینده ای که برای فرزندان ایران زمین خواهیم ساخت. پس همه ما باید احساس مسئولیت داشته باشیم تا ایرانی بهتر از دیروز و امروز داشته باشیم. تا اسلام هر چه بیشتر به فرزندان خود ببالد.

به ترتیب با ۶۸۱ هزار (۷۳/۱ درصد) و ۳ میلیون و ۸۸۴ هزار رای (۵۹/۱۰ درصد) سوم و چهارم شد.

رضایی هم که در روز آخر ثبت‌نام کرد، پس از ثبت‌نام در واکنش به نطق‌های آقایان لاریجانی و جهانگیری گفت: اقتصاد پادگان یا دادگاه نیست اما جای فلسفه بافی هم نیست. اقتصاد از فلسفه بافی آسیب جدی دیده است؛ اقتصاد یک علم است اما متأسفانه برخی علم اقتصادی ندارند... بسیاری از افرادی که اینجا آمدند تراژدی همراه با اجرای یک نمایشنامه کمدی بودند.

در مناظرات آقای رضایی یک حالت بینابینی داشت و نسبت به رضایی ۹۲ ضعیف‌تر بود و اما توانست کارکتر ویژه و خاصی از خود در مخاطب ایجاد کند.

سید ابراهیم رئیسی

سید ابراهیم رئیسی رئیس کنونی قوه قضائیه برای دومین بار است که در بین کاندیداهای نهایی انتخابات ریاست جمهوری قرار می‌گیرد. سید ابراهیم رئیسی ساداتی که معمولاً به عنوان سید ابراهیم رئیسی شناخته می‌شود، در ۲۳ آذر ۱۳۳۹ در محله نوغان شهر مشهد به دنیا آمد. ایشان در ۵ سالگی پدر خود را از دست دادند. آقای رئیسی در سن ۱۵ سالگی وارد حوزه علمیه قم شد و تحصیلات حوزوی خود را تا سطح چهارم فقه و اصول در مدرسه حقانی ادامه داد. حجت الاسلام رئیسی در سال ۱۳۸۰ در کنکور دکتری مدرسه عالی شهید مطهری پذیرفته شد و در سال ۱۳۹۲ مدرک دکتری فقه و حقوق خصوصی خود را از مدرسه عالی شهید مطهری اخذ کرد. او پیش از ریاست دستگاه قضا، عهده‌دار مسئولیت‌هایی همچون تولید آستان قدس رضوی، دادستانی کل کشور، معاونت اول قوه قضائیه و سازمان بازرسی کل کشور بوده است. رئیسی که عضو حقیقی و حقوقی مجمع تشخیص مصلحت نظام و نماینده و نایب رئیس مجلس خبرگان رهبری است، پیش از ظهر آخرین روز ثبت‌نام انتخابات های ریاست جمهوری به وزارت کشور رفت.

در انتخابات حاضر کسی که بالاترین نمایندگی را از یک فضای گفتمانی می‌کند و توانایی نمایندگی یکی از گفتمان‌های رایج در جامعه را دارد، آقای رئیسی است. در فضای مناظرات بیشترین هجمه و حمله به ایشان وارد شد. فضای هجوم و حمله‌ای که مهرعلیزاده و همتی علیه رئیسی ایجاد کردند که مثلاً ۶ کلاس سواد دارد، باعث شد تا یکی از موثرترین جملات مناظره از سوی رئیسی بیان شود و بگوید که اگر با اهانت به من مشکلات کشور حل می‌شود، اشکالی ندارد. پس از این شاهد بودیم که روند مناظره به سمتی رفت که ماشین هجوم‌ها خاموش شد و رئیسی در حوزه فعال‌تری قرار گرفت و فضا برای او هموارتر شد و توانست چند گزاره موثر اجتماعی را بیان کند ولی در نقطه مقابل همتی و مهرعلیزاده در بخش دوم هرچه تلاش کردند که به بیان رویکردهای اقتصادی خود پردازند ولی دیگر زمینه برای آنها از دست رفته بود.

ایشان اکنون نیز عضو حقیقی مجمع تشخیص مصلحت نظام، عضو شورای راهبردی روابط خارجه و نماینده رهبری در شورای عالی امنیت ملی هستند.

او در سال ۹۲ نیز کاندیدا بود که با ۴ میلیون و ۱۶۸ هزار رای (۳۶/۱۱ درصد) نفر سوم شد. در اوایل ثبت نام های نامزد ها برای ریاست جمهوری ۱۴۰۰ خبری منتشر شد که در صورت ثبت نام آقای رئیسی، ایشان در انتخابات شرکت نمی‌کنند که از طرف دفتر ایشان و رجا نیوز اعلام شد تصمیم نهایی آقای جلیلی در روز پایانی اعلام خواهد شد که در نهایت در روز آخر ایشان ثبت نام کردند. ایشان در صحبت های خود پس از ثبت نام گفتند: کشور را با نمایش نمی‌توان اداره کرد؛ در هشت سال گذشته این تجربه خود را به خوبی نشان داد.

و اما در مناظرات مزیت آقای جلیلی این بود که از خود یک نمایش کارشناسی داد و توانست به نسبت دیگران در دل این نبردهای سیاسی کمتر وارد شود و یک تصویر کارشناسی و نمایشی از توان کارشناسی خود را به مخاطب داد و از این بابت در ذهنیت اجتماعی برتری پیدا کرد البته آقای جلیلی جمله موثری نداشت که مخاطب عمومی را هدف بگیرد.

محسن رضایی

آقای محسن رضایی در ۱۰ شهریور ۱۳۳۳ در روستای بنه وار بابا احمد، از توابع شهرستان مسجد سلیمان در استان خوزستان زاده شد. محسن رضایی در شهر اهواز فعالیت های سیاسی خود را علیه رژیم پهلوی آغاز کرد که در پی این فعالیت ها در سال ۱۳۵۲ توسط ساواک اهواز دستگیر و مدت ۶ ماه را در زندان های اهواز گذراند. آقای رضایی در سال ۱۳۵۳ در مقطع کارشناسی رشته مهندسی مکانیک دانشگاه علم و صنعت پذیرفته شد. پس از انقلاب ایشان عضو هیئت تدوین کننده اساسنامه سپاه پاسداران در زمستان ۱۳۵۷ بود. پس از پایان جنگ ایران و عراق، به دانشگاه علم و صنعت بازگشت، ولی بار دیگر تحصیلات مهندسی را نیمه کار گذشت و در سال ۱۳۶۹ در مقطع کارشناسی اقتصاد در مرکز آموزش سازمان برنامه و بودجه تحصیلات خود را از ابتدا آغاز کرد. وی کارشناسی ارشد اقتصاد را اخذ و سپس دکتری اقتصاد را در سال ۱۳۷۹ از دانشگاه تهران اخذ نمود.

رضایی از شهریور ماه سال ۶۰ و زمانی که ۲۷ ساله بود، با حکم امام خمینی (ره) فرمانده سپاه پاسداران انقلاب اسلامی شد و در طول سال‌های جنگ و پس از آن عهده‌دار این نهاد بود. رضایی پس از ۱۶ سال فرماندهی سپاه، به عضویت مجمع تشخیص درآمد و دبیر آن شد.

آقای محسن رضایی دبیر کنونی مجمع تشخیص مصلحت نظام با ۶۷ سال سن، مسن‌ترین کاندیدی انتخابات ریاست جمهوری ۱۴۰۰ است. او در سال‌های ۸۴، ۸۸ و ۹۲ نیز در جمع کاندیداهای نهایی انتخابات قرار گرفت، اما در سال ۸۴ پیش از برگزاری انتخابات انصراف داد و در سال‌های ۸۸ و ۹۲

یک کاندیدا به عنوان یک فرد باشم، به عنوان نماد یک تفکر برای تغییر ساختارهای اداره کشور هستم. آقای قاضی زاده به هنگام مناظرات، در مسیر منازعات و بحث‌ها و درگیری‌ها نبود و از آنجا که پایگاه اجتماعی و سیاسی ندارد اولین کاری که باید در مناظرات می‌کرد این بود که خود را به موضوع مناظرات تبدیل کند.

محسن مهر علیزاد

محسن مهر علیزاده در هشتم مهر ماه سال ۱۳۳۵ در شهر مراغه از توابع استان آذربایجان شرقی به دنیا آمد. ایشان در سال ۱۳۵۳ وارد دانشگاه تبریز شد و در رشته مهندسی مکانیک از آن دانشگاه فارغ التحصیل شد. آقای مهرعلیزاده دارای مدرک دکتری مدیریت مالی از دانشگاه تهران هستند. همچنین وی دارای مدرک دکتری در رشته مهندسی اقتصاد از دانشگاه تیلبرگ هلند نیز می‌باشد. او در دولت هفتم، استاندار خراسان و در دولت هشتم، معاون رئیس جمهور و رئیس سازمان تربیت بدنی بود. وی هم چنین در آبان ۹۶ در دولت دوازدهم به عنوان استاندار اصفهان انتخاب شد که در سال بعد از آن به علت قانون منع به کارگیری بازنشستگان از مسئولیت خود استعفاء داد. از جمله مسئولیت‌های اجرای ایشان می‌توان به ریاست فدراسیون بین‌المللی ورزش‌های زورخانه‌ای و عضویت در هیئت مدیره سازمان منطقه آزاد کیش و ... اشاره کرد.

مهرعلیزاده پیش از این نیز در سال ۸۴ برای کاندیداتوری در انتخابات دوره هشتم ریاست جمهوری ثبت نام کرده بود. در آن دوره با وجود اینکه صلاحیت وی و مصطفی معین از سوی شورای نگهبان احراز نشد اما به موجب حکم رهبر انقلاب به جرگه نامزدهای تایید صلاحیت شده افزوده شد.

نکته قابل توجه درباره مهرعلیزاده این است که علی‌رغم شهرت او به عنوان یک چهره سیاسی اصلاح‌طلب، اما جبهه اصلاحات ایران ترجیح داد تا نام او را در میان کاندیداهای پیشنهادی خود قرار ندهد که برخی‌ها معتقدند علت این تصمیم جبهه اصلاحات نقش مهرعلیزاده در شکست اصلاح طلبان در انتخابات ریاست جمهوری ۸۴ است.

مهرعلیزاده در سومین روز نام‌نویسی از داوطلبان کاندیداتوری در انتخابات، با حضور در وزارت کشور اقدام به ثبت نام کرد.

با شروع مناظرات مهرعلیزاده خود را نماینده اصلاحات خواند. با این حال تاکنون جبهه اصلاحات هیچ حمایتی از وی ننموده است. استراتژی مهرعلیزاده این بود که بدنه ایدئولوژیک و سیاسی اصلاحات را فعال کند. اما این استراتژی فرض غلطی دارد و آن اینکه شرایط همچون شرایط ۷۶ و ۹۲ است و آنان منتقد وضع به وجود آمده هستند.

عبدالناصر همتی

آقای همتی در سال ۱۳۳۶ در شهر کبودر آهنگ استان همدان به دنیا آمدند. ایشان در سال ۱۳۵۸ کارشناسی علوم اقتصادی خود را در دانشگاه تهران به اتمام رساندند و در همان دانشگاه

علیرضا زاکانی

علیرضا زاکانی در سال ۱۳۴۴ در محله میدان خراسان تهران است و در همین منطقه نیز دوران کودکی و نوجوانی اش را سپری کرده است. آقای زاکانی از جانبازان جنگ تحمیلی هستند. ایشان پس از جنگ، در رشته دستکاری کودکان پذیرفته شد و در رشته پزشکی هسته‌ای، تخصص گرفت. آقای زاکانی ۷۹ تا ۸۲ مسئول سازمان بسیج دانشجویی کشور بوده‌اند. زاکانی نماینده چندین دوره از مجلس نیز بوده است. پس از تشکیل مجلس یازدهم، آقای زاکانی که سابقه سه دوره نمایندگی را داشت ریاست مرکز پژوهش‌های مجلس را بر عهده گرفت. او نیز در آخرین روز ثبت نام انتخابات ریاست جمهوری به وزارت کشور رفت و داوطلب کاندیداتوری انتخابات شد. زاکانی در سال‌های ۹۲ و ۹۶ نیز در انتخابات ریاست جمهوری ثبت نام کرد، اما صلاحیتش احراز نشد.

او در سخنان پس از ثبت نام در انتخابات گفت: "مسببین وضع اسفبار فعلی و حامیان آنان طلبکارانه به میدان آمدند و سودای دولت سوم روحانی را در سر می‌پروراندند. پیشرفت ایران با تصمیمات بیست دقیقه‌ای محقق نخواهد شد."

او یکی از منتقدان جدی برجام و تصویب بیست دقیقه‌ای آن در مجلس نهم با ریاست لاریجانی است و در آن مجلس ریاست کمیسیون ویژه بررسی برجام را نیز برعهده داشت.

زاکانی مؤسس جمعیت رهبویان انقلاب اسلامی است و سه دوره دبیرکل آن را برعهده داشت که اکنون دبیرکل این جمعیت مالک شریعتی نماینده مردم تهران و عضو کمیسیون انرژی مجلس است.

آقای زاکانی هم مزیتش در مناظره اول جسارت، صراحت و روحیه تهاجمی بود که به او موضوعیت داد و یک نوع مزیت و برتری نسبی برای او ایجاد کرد.

امیر حسین قاضی زاده هاشمی

سید امیر حسین قاضی زاده هاشمی در ۲۵ فروردین سال ۱۳۵۰ در شهر فریمان از توابع استان خراسان رضوی به دنیا آمد. ایشان متخصص گوش و حلق و بینی هستند. آقای قاضی زاده هاشمی پسر عموی آقای سید حسن قاضی زاده هاشمی (وزیر سابق بهداشت) و برادر احسان قاضی زاده هاشمی (نماینده کنونی مجلس) است. قاضی زاده هاشمی از دوره هشتم مجلس از حوزه انتخابیه مشهد تا کنون نماینده مجلس هستند. ایشان در دوره‌های نهم و دهم دبیر هیئت رئیسه مجلس و در دوره یازدهم، تا خرداد ۱۴۰۰ نایب رئیسی اول مجلس را بر عهده داشتند. او که در فروردین ماه امسال اعلام کاندیداتوری کرد و در روز دوم ثبت نام‌ها به وزارت کشور رفت، گفته می‌شود از یک سال پیش در حال تدوین برنامه برای ریاست جمهوری است. شعار دولت او «دولت سلام» است و در توضیح این شعار گفته است: دولت سلام، سلام به تازگی و تغییر بنیادین است و من به جای اینکه

جمهوری از این سمت برکنار شد.

او پس از ثبت‌نام در جمع خبرنگاران اظهار داشت: با برنامه مشخص و برای اصلاح حکمرانی اقتصادی وارد شده‌ام. اگرچه از چند ماه پیش برخی گمانه‌زنی می‌کردند که همتی کاندیدای انتخابات ریاست‌جمهوری شود، اما در روزها و هفته‌های منتهی به ثبت‌نام هیچ واکنش و موضع‌گیری از سوی وی مشاهده نشد تا اینکه در روز پایانی و بدون اعلام خبر قبلی، ثبت‌نام کرد.

در خصوص گرایش سیاسی وی اختلاف نظرهایی وجود دارد. برخی او را اصلاح‌طلب و برخی دیگر او را مستقل می‌دانند. با شروع مناظرات او سایر کاندیداها را پوششی خواند و خود را در مقابل شخص آقای رئیسی قرار داد. با توجه به پیشینه اقتصادی که از همتی گفته شد می‌توان گفت که مزیت همتی در مناظرات همین مسائل اقتصادی بود، اما ایشان مسئله و نقطه بحث را سیاسی و اخلاقی کرد. در نتیجه برتری‌های خود را از دست داد و برتری‌های رئیسی به میدان آمد.

در سال ۱۳۶۶ از مقطه کارشناسی ارشد فارغ‌التحصیل شدند و در سال ۱۳۷۲ درجه دکتری اقتصاد خود را از دانشگاه تهران دریافت کردند.

ایشان در سال ۱۳۵۹ مسئول کمیته اقتصادی جهاد دانشگاهی بودند. وی در سال‌های ۱۳۵۹ تا ۱۳۷۳ در صدادوسیما جمهوری اسلامی ایران فعالیت می‌کردند. از سال ۱۳۷۳ تا ۱۳۸۵ طی سه دوره به عنوان رئیس کل بیمه مرکزی جمهوری اسلامی ایران و رئیس شورای عالی بیمه فعالیت کرد. ایشان از سال ۱۳۸۰ تا ۱۳۹۸ به مدت شش دوره متوالی رئیس شرکت بیمه اتکایی آسیایی (کمسیون اقتصادی-سیاسی آسیا و اقیانوسیه سازمان ملل متحد-اسکاپ) بودند. او پس از خاتمه فعالیت در بیمه مرکزی جمهوری اسلامی ایران و قبل از ریاست کل بانک مرکزی سفیر ایران در چین شد. در مرداد ماه ۱۳۹۷ حسن روحانی وی را جایگزین ولی الله سیف کرد و بدین ترتیب عبدالناصر همتی به رئیس کل بانک مرکزی منصوب شد و در خرداد ۱۴۰۰ و به دلیل کاندید شدن برای انتخابات ریاست

محمدباقر قالیباف، چند روز پیش در خردادماه ۱۴۰۰، برای دومین سال پیاپی با ۲۳۰ رای بعنوان ریاست مجلس شورای اسلامی انتخاب شد. مجلسی که لقب انقلابی بودن را در این یک سال به خود اعطا کرده و مدام از شفافیت آراء سخن گفته، لکن در عمل، به دستاوردهای مذکور نرسیده است. محمد باقر قالیباف هم بعنوان ریاست فعلی مجلس و شهردار سابق پایتخت در این سالیان، به دور از حواشی نبوده و هر از چند گاهی با همین حواشی، نام خود را در سرتیتر رسانه‌ها دیده است.



حاشیه امن قالیباف ، بدون شفافیت بدون پاسخگویی

دانشجوی کارشناسی ارشد پیوسته دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری

محمدپارسا بامری

آخرین حاشیه قالیباف، حدوداً مربوط به ۱۸ خرداد میشود. شکایت قالیباف از هادی حیدری، کاریکاتوریست و فعال رسانه‌ای نام آشنا و همچنین از روزنامه سازندگی ثبت شد. که بدینصورت نام قالیباف را در شور انتخابات ریاست جمهوری، بعنوان یکی از تیتروهای طرفدار رسانه‌ها تبدیل کرده است. چگونه میشود که ریاست مجلسی که با شعار شفافیت آراء انتخاب شده است، توانایی تحمل کاریکاتور و متن انتقادی از خود را نداشته باشد؟ درحالی‌که چنین کاریکاتوری فاقد اسائه ادب عرفی بوده است. و این چنین سوالی، ذهن مخاطب را به سمت سایر اتفاقات مربوط به دکتر قالیباف سوق میدهد

چند صباحی است که داعیه شفافیت آراء و مواضع، جامعه مدنی و مطالبه گر را فرا گرفته است. از رسانه‌های مختلف داخلی و خارجی گرفته تا شکل‌های دانشجویی و فضاهای مجازی، همه و همه علاقه مند به شفافیت و ابهام زدایی از مسائل متفاوت شده‌اند. شفافیت مواضع سیاسیون، ممکن است به انتقادات بسیاری از ایشان ختم شود. و به همین خاطر است که دستگاه‌های مختلف، حداقل در ظاهر امر، باب انتقاد از خویشتن را گشوده‌اند. امروزه در گفت و گوهای فضای مجازی و رسانه‌های آزاد، تعدادی از مسئولین حضور یافته و پاسخگویی ابهامات هستند.

کردند و چون که نمایندگان در آخر سال به خانه های خود رفته بودند، امکان تشکیل جلسه در صحن مجلس نبود. لذا نمایندگان تفویض اختیار کرده بودند! چنین ادعایی، خلاف گفته های نادران است. خضریان هم که با نامه ای حاوی ۱۰۰ امضا از نمایندگان، نسبت به این تغییرات اعتراض کرده بود، مدعی شده که این اتفاقات را پیگیری خواهد کرد. اما عدم پاسخگویی دکتر قالیباف نسبت به این مسائل، باعث تشدید احتمال وقوع چنین رخدادی شده است. اگر تغییر جداول صحت داشته باشد، بسیار قابل انتقاد است که بودجه کشور، مهم ترین سند مالی سال یک ملت، توسط معدود افرادی که اختیار قانونی ندارند، تغییر کند.

مقداری از حواشی خانه ملت که فاصله بگیریم، بحث های مربوط به شهرداری پایتخت و البته عیسی شریفی، قائم مقام آقای قالیباف در شهرداری به مدت ۱۲ سال به ذهن میرسد. طبق نطقی که محمود میرلوحی در صحن علنی شورای شهر تهران داشت، موارد ذیل گفته شد:

از سال ۸۸ تا ۹۳، ۴ موافقت نامه بین شهرداری تهران و بنیاد تعاون سپاه منعقد شد. موافقت نامه هایی که به صورت غیرقابل باوری به پرونده های فسادزا تبدیل شدند. ۴ قرارداد با نام های فاینانس ۱ و ۲، قرارداد کارگزاری و طرح ۳ شهید. تحقیق و تفحص شورای شهر تهران، باعث پرده برداری از این قراردادهای محرمانه شد. هدف این تفاهم نامه ها، تامین مالی پروژه های شهری، اجرای پروژه ها و پرداخت مطالبات پیمان کاران بوده است. قرارداد های فاینانس یک و دو، به ارزش ۲ و ۲۰ هزار میلیارد تومان منعقد شده اند. تخلفات عدیده ای از این تفاهم نامه ها استخراج شد: شهرداری چنین حقی نداشته که قراردادهایی با ارزش هزار میلیاردی را بصورت محرمانه و به دور از آگاهی و تصویب شورای شهر، منعقد کند. در این قراردادها، صرفه و صلاح شهرداری رعایت نشد. تشریفات واگذاری ها از طریق مناقصه، انجام نگرفت. و واگذاری های همه پروژه های عمرانی به قرارگاه خاتم، سبب انحصار غیرقانونی در پروژه های شهری و تضعیف بخش خصوصی گردید. از نام شهدا سوء استفاده شد (تفاهم نامه ۳ شهید). بدهی بنیاد تعاون، به ارزش ۱۷۴۰ میلیارد حذف شد. در حالیکه در اسناد حسابرسی سال ۹۴ ذکر شده بود، اما در سال ۹۵ در اسناد آورده نشد. نظارت لازم توسط سازمان های نظارتی بالادستی انجام نگرفت. پرداخت هایی بابت خریدهای انجام نشده تخصیص یافت و... عیسی شریفی به اتهام فساد مالی در سال ۹۶ مورد تعقیب قرار گرفت. و در سال ۹۷، به گفته محسن هاشمی، پیگیری پرونده شریفی برای پیگیری به دستور مقام معظم رهبری، به ستاد کل نیروهای مسلح واگذار شد. و نهایتا در سال ۹۹، عیسی شریفی به علت فساد مالی، به ۲۰ سال حبس محکوم گردید. محمدباقر قالیباف هم با انکار آگاهی از فساد مالی شریفی، خود را بی اطلاع و بی ارتباط با این پرونده دانست. اما سوالی که همواره در حافظه مخاطب باقی میماند، این است که چرا محمدباقر قالیباف، به جلسات پرسش و پاسخ آزاد و مصاحبه های آزاد لبیک نگفت؟ چه بسا عدم پاسخگویی ایشان، سبب تشدید شایعات حول ریاست مجلس شورای اسلامی شود.

در ادامه مطلب، اشاراتی مختصر به حواشی ریاست فعلی مجلس شورای اسلامی در سالیان اخیر خواهیم داشت.

چندماه پیش، جلسه ای مبنی بر پرسش و پاسخ محمدباقر قالیباف و تشکل های دانشجویی، خبرساز شد. انتظار میرفت که چنین جلسه ای از طریق رسانه ها بصورت مستقیم پخش شود. اما چندی پیش از جلسه، به انجمن دانشجویی عدالتخواه خبر داده شد که جلسه پشت درهای بسته می باشد و انجمن هم از شرکت امتناع کرد. اولین پرسشی که به ذهن تبادر میکند، این است که چرا آقای قالیباف در صدد برگزاری این جلسه پشت درهای بسته بودند؟ چرا پیش روی اذهان عمومی، پاسخگو نبودند؟ در روزهایی که تمامی مسئولین داعیه مصاحبه بی تعارف را دارند، چرا دکتر قالیباف امتناع ورزیدند؟ یک سال از فعالیت مجلس و شفافیت های معدود گذشت. اما باعث اقناع ملت نشد. خواست مردم فراتر از چنین مسائلی جزئی می باشد. در سال جدید، شفافیت هایی هم علیه آقایان قالیباف و نادران، مبنی بر تغییر بودجه ۱۴۰۰ به گوش رسید.

در ماه های ابتدایی سال ۱۴۰۰ شایعاتی مبنی بر تغییر جداول بودجه ۱۴۰۰ توسط عده ای خبرساز شد. شروع کننده این ابهامات، علی خضریان بود که در تویتر خود، چنین ادعا کرد: بودجه، پس از تغییرات انجام شده توسط کمیسیون تلفیق (که بلا مانع است)، در مجلس به تصویب نمایندگان رسید. به تاریخ ۲۶ اسفند. و در تاریخ ۲۷ اسفند، به دولت ابلاغ شد. اما خضریان معتقد است که پس از تصویب نمایندگان، جداول بودجه، خارج از صحن مجلس، دچار تغییراتی توسط اشخاصی از تاریخ ۲۶ اسفند تا ۱۴ فروردین شده اند. حتی بعضی از نمایندگان به خضریان پاسخ داده اند که چنین روندی، در رویه سالیان اخیر مجلس، بی سابقه نبوده است.

در حالیکه هرگونه اصلاح پس از تصویب نمایندگان، نیاز به بررسی مجدد در صحن مجلس دارد. و اما محسن زنگنه هم در تاریخ ۲۶ اسفند، نسبت به عدم رویت جداول و ردیف های بودجه توسط نمایندگان، با توجه به اصل ۵۲ اخطار میدهد. الیاس نادران (رئیس کمیسیون تلفیق) هم مدعی میشود که جداول، در پیوست بوده و خود نمایندگان باید آن ها را دریافت کنند. البته اطلاع داریم که معمولا جداول بصورت پرینت گرفته شده در اختیار نمایندگان قرار میگیرند. جدل بعضی از نمایندگان و نادران به آنجا ختم میشود که عصر ۲۶ اسفند، جلسه ای در صحن تشکیل خواهد شد که جداول بررسی شوند. اما غافل از اینکه جلسه بعدی، به ۱۵ فروردین سال جدید موکول میشود. حسین قربان زاده، مشاور دکتر قالیباف در رابطه با تغییرات بودجه، در گفتگوی کلاب هاوسی مدعی شد که: این تغییرات بازی رسانه ای هستند. اگر تغییری رخ داده، در کمیسیون تلفیق بوده و به تصویب نمایندگان رسیده است. اما در ادامه مدعی میشود که آن معدود افراد، صرفا ایرادات شورای نگهبان را برطرف

دگرگونی های فراوانی شد. در برخی حوزه ها وضعیت زنان بعد از انقلاب اسلامی و در نظام برآمده از آن، با بهبود نسبی روبرو بوده است. وضعیت آموزش و تحصیلات زنان، فعالیتهای ورزشی و هنری آنها، فعالیتهای سیاسی و مدنی زنان و... بعد از انقلاب با پیشرفتهای چشمگیری روبرو بود. در اصل بیستم قانون اساسی ذیل فصل «حقوق ملت» بر حمایت قانونی یکسان زن و مرد در حقوق مختلف، تأکید شده است. براساس این اصل: «همه افراد ملت اعم از زن و مرد یکسان در حمایت قانون قرار دارند و از

همه حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با رعایت موازین اسلام برخوردارند»

در اصل بیست و یکم به طور خاص بر «حقوق زن» توجه شده ● در پنج بند، دولت را موظف به رعایت حقوق زن نموده است. ● بر این اساس «دولت موظف است حقوق زن را در تمام جهات با رعایت موازین اسلامی تضمین نماید و امور زیر را انجام دهد: ۱. ایجاد زمینه های مساعد برای رشد شخصیت زن و احیای حقوق مادی و معنوی او ۲. حمایت مادران، بالخصوص در دوران بارداری و حضانت فرزند، و حمایت از کودکان بی سرپرست ۳. ایجاد دادگاه صالح برای حفظ کیان و بقای خانواده ۴. ایجاد بیمه خاص بیوه گان و زنان سالخورده و بیسرپرست ۵. اعطای قیومیت فرزندان به مادران شایسته در جهت غبطه آنان در صورت نبودن ولی شرعی. «با عنایت به این اصل، مشخص میشود که روح حاکم بر حقوق زن در این اصل، متناسب با نگاه مقدمه قانون در «قانون اساسی به زن»، معطوف به رسالت مادری و وظایف مادری زن است. در ۴ بند از ۵ بند، مسائل مربوط به حوزه خصوصی و شخصی و خانوادگی مطرح میشود. در بند نیز به صورت صریح و شفاف به حقوق سیاسی، اجتماعی و عمومی زن اشاره نشده است. در عین حال وقتی از عبارت «موازین اسلامی» استفاده میشود، بستر برای تفسیر سنتی و دینی از حقوق زن مهیا میشود بنابراین عقیده امام خمینی رهبر کبیر انقلاب اسلامی حقوق سیاسی زنان و مردان برابر است و زنان در فعالیت های اجتماعی و سیاسی باید هم دوش مردان باشند و فقط باید موازین شرعی رعایت شود. دو شاخصه اصلی مشارکت سیاسی زنان اول حق مشارکت سیاسی و اجتماعی زنان با محوریت حقوق انتخابی زن (حقوق انتخاباتی) و دوم حق تصدی مناصب مدیریتی است.



مشارکت سیاسی زنان در ایران

فاطمه چاجی

دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق خانواده دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری

حقوق سیاسی و اجتماعی و به طور خاص حقوق سیاسی زنان در هر جامعه، یکی از نشانه های مدنیت و توسعه انسانی می باشد. از نگاه اسلام زنان همانند مردان می توانند از تمام مزایای زندگی و حقوق و وظایف اجتماعی برخوردار شوند. زن و مرد دو رکن جامعه انسانی اند و هیچ محدودیتی برای زنان در زندگی مادی و معنوی نیست و هیچ امتیازی برای آنان از ناحیه جنسیت تعریف نشده است.

بلکه تنها ملاک برتری برای انسان ها تقواست. توزیع مسوولیت های اجتماعی و سیاسی از هر نوع آن به توان، دانایی، مهارت، لیاقت، و شایستگی افراد بستگی دارد. از جمله دلایلی که باعث محرومیت زنان از یکسری حقوق خود شده می توان به موارد زیر اشاره کرد: ۱. برداشت های نادرست از موازین فقهی ۲. سنت های غلط فرهنگی ۳. اقتضای شرایط زمان ۴. تعصب های کورکورانه ۵. عدم آگاهی از مبانی حقوقی اجتماعی و شرعی زنان ۶. مرد سالاری و بی عدالتی مردان این عوامل باعث شد زنان در مرحله پایین تری قرار گیرند و از سهم بودن در موقعیت های اجتماعی محروم شوند. در اسلام اولین مشارکت سیاسی زنان تازه مسلمان در سال دوازدهم و سیزدهم از بعثت بود که دوازده مرد در پیمان عقبه اول با پیامبر بیعت کردند و پیامبر با زنان نیز بیعت کردند همچنین از جمله مشارکت سیاسی زنان در صدر اسلام می توان اشاره به مشارکت در بنای پایگاه فعالیت سیاسی، شرکت در جنگ ها، خطبه های سیاسی حضرت زهرا سلام الله و نقش حضرت زینب در قیام امام حسین اشاره کرد. حقوق زنان در طی دوره های مختلف دچار تحولات فراوان شده، بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران شرایط و اوضاع احوال زنان نیز به تبع شرایط انقلابی دچار

سابقه و دیانت و تقوی، مؤمن و معتقد به مبانی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، مذهب رسمی کشور. در خصوص واژه رجال دو تفسیر می توان داشت. تفسیر اول معنای لغوی آن است که در این وجه رجال در مقابل نسا می باشد. ایه "الرجال القوامون علی النسا" شاهدهی بر این معنی میتواند باشد در تفسیر دوم معنای رجال سیاسی افاده معنای غیر جنسی می کند یعنی رجال سیاسی به معنای شخصیت سیاسی است و جنسیت در آن معنا ندارد. در برداشت از این تفسیر ها اگر با رویکرد سنتی - فقهی، مقام ریاست جمهوری را از باب ولایت امر و حکومت بر مردم تلقی نمائیم، در این صورت زنان نمی توانند منصب ریاست جمهوری را تصاحب نمایند ولی اگر این مقام را وکالت از جانب مردم بدانیم در این صورت احراز موقعیت و منصب ریاست جمهوری منع قانونی و شرعی نخواهد داشت. تاکنون تفسیر مورد تایید شورای نگهبان تفسیر فقهی - سنتی بوده در طی در ادوار مختلف انتخابات ریاست جمهوری، زنان زیادی به عنوان کاندیدا ثبت نام می کردند، اما هیچ کدام از آنها به مرحله نهایی انتخابات راه نمی یافتند، و کاندیداتوری زنان را رد می کرده اند اما در طرح اصلاح قانون انتخابات ریاست جمهوری ایران "رجل سیاسی" باز تعریف شده است رجل ناظر بر علم و شان است نه جنسیت اگر به مشروح مذاکرات تصویب قانون اساسی و همین طور از نظر معنای لغوی رجل سیاسی در طول تاریخ بنگریم این واژه جنسیتی نیست که بگوید مرد بلکه مصادیق دیگر آن از کلمه زن و مرد یاد کرده است در قرآن هم اگر خواسته از مرد نام ببرد همیشه از ذکر استفاده شده برای مثال گفته ما شما را از مرد وزن افریدیم و برای مرد از ذکر استفاده شده است.

قوه قضائیه نیز یکی از ارکان حاکمیتی و سیاسی نظام بوده و حقوق سیاسی زنان در این نهاد محل بحث و گفتگو است. بنا بر اصل یکصد و پنجاه و هشتم قانون اساسی به منظور انجام مسئولیتهای قوه قضائیه در کلیه امور قضائی و اداری و اجرایی مقام رهبری یک نفر مجتهد عادل و آگاه به امور قضائی و مدیر و مدبر را برای مدت پنج سال به عنوان رئیس قوه قضائیه تعیین می نماید که عالی ترین مقام قوه قضائیه است. چنان که از این ماده بر می آید ماهیت وظایف قوه قضائیه ماهیت قضایی ندارد لذا زنان می توانند در این منصب قرار گیرند. در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران علاوه بر مناصب مدیریتی یاد شده، در مناصب دیگری نظیر عضویت در مجمع تشخیص مصلحت نظام، شورای عالی امنیت ملی، شورای بازنگری در قانون اساسی، ریاست بر سازمان صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران، عضویت در مجلس خبرگان رهبری براساس اصول ۱۱۲، ۱۷۶، ۱۷۷، ۱۱۰ و ۱۰۷ قانون اساسی؛ حضور، عضویت و ریاست زنان منع قانونی ندارد. در قانون اساسی احراز چنین مسئولیتهای خطیر سیاسی با محدودیت قانونی روبرو نیست؛ اگرچه تا به حال در مناصب کلیدی یاد شده حضور زنان را شاهد نبوده ایم.

حقوق انتخاباتی زن: در اصل سوم و بند ۸ بر «مشارکت عامه مردم در تعیین سرنوشت سیاسی، اقتصادی و فرهنگی خویش» قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، مشارکت و حق رأی زنان را در انتخابات مختلف، همپای مردان به رسمیت شناخته و هیچگونه تبعیض جنسی را جایز ندانسته است. حق حضور و شرکت در اجتماعات، انجمنها، احزاب و تشکلهای سیاسی، یکی از حقوق سیاسی افراد در جامعه است در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران هیچ منعی برای حضور و مشارکت سیاسی زنان در امور یاد شده فوق وجود ندارد. اصل بیست و ششم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در این ارتباط صراحت دارد که: «احزاب، جمعیتها، انجمنهای سیاسی و صنفی و انجمنهای اسلامی یا اقلیتهای دینی شناخته شده آزادند، مشروط به اینکه اصول استقلال، آزادی، وحدت ملی، موازین اسلامی و اساس جمهوری اسلامی را نقض نکنند. هیچ کس را نمیتوان از شرکت در آنها منع کرد یا به شرکت در یکی از آنها مجبور ساخت» در قانون اساسی حق انتخاب کردن و رای دادن زن به رسمیت شناخته شده است و هیچ تبعیضی در این خصوص وجود ندارد

مناصب مدیریتی یا حق تصدی گری زنان:

کسب موقعیتهای و مناصب سیاسی و حکومتی و اجازه ورود به پستهای حاکمیتی را از جمله حقوق سیاسی افراد در جامعه میتوان دانست. در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران کسب مناصب سیاسی و حکومتی الا در چند مورد خاص، برای زنان به رسمیت شناخته شده است. در موارد محدود و اندکی که محدودیتهایی برای زنان اعمال شده، عمدتاً ناشی از تأثیر نگرشهای مردسالارانه، برداشتها و تلقیهای سنتی برخی از فقهاست. قوه مقننه متشکل از مجلس شورای اسلامی و شورای نگهبان می باشد. با استناد به اصول قانون اساسی زنان نیز به عنوان کاندیدا و منتخب در مجلس شورای اسلامی میتوانند حضور داشته باشند. براساس اصل نود و یکم قانون اساسی حتی منعی برای حضور زنان در شورای نگهبان وجود ندارد. براساس اصل یاد شده ترکیب شورای نگهبان عبارتند از: ۱۰۰- شش نفر از فقهای عادل و آگاه به مقتضیات زمان و مسائل روز انتخاب این عده با مقام رهبری است. ۲- شش نفر حقوقدان در رشته های مختلف حقوقی، از میان حقوقدانان مسلمانی که به وسیله رئیس قوه قضائیه به مجلس شورای اسلامی معرفی میشوند و با رأی مجلس انتخاب میگردند. اگر چه عملاً زنی به شورای نگهبان راه نیافته است ولیکن منع قانونی در این خصوص وجود ندارد. اما در مجلس شورای اسلامی شاهد حضور و فعالیت زنان در این قوه هستیم.

چالش برانگیزترین مسئله ای که در خصوص حقوق سیاسی زنان در تصدی مناصب مدیریتی مطرح می باشد، صلاحیت آنها برای احراز پست ریاست جمهوری است. در اصل یکصد و پانزدهم قانون اساسی آمده: «رئیس جمهور باید از میان رجال مذهبی و سیاسی که واجد شرایط زیر باشند انتخاب گردد ایرانی الاصل، تابع ایران، مدیر و مدبر، دارای حسن

بهرتر نبود که به جای وعده رفع تحریم ها، وعده خنثی سازی تحریم ها را بدهد که هم منطقی تر و هم قابل وصول تر است؟

یا اسحاق جهانگیری در کارزار انتخابات ۹۶، وعده داد که فقر مطلق با راهکارهای عالمانه و اقدامات ویژه ای در کشور از بین خواهد رفت.

حال جای سوال است که آیا اختیارات معاون اولی رئیس جمهور و ریاست ستاد اقتصاد مقاومتی کافی نبود تا جهانگیری به این وعده خود عمل کند؟ یا وی اساسا توانایی چنین کاری را نداشت و صرفا

برای جلب رای و تخریب رقیب، چنین سخنی را به زبان آورد؟
خداوند متعال در آیه دوم از سوره مبارکه صف می فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ؟ أَي كَسَانِي كِه اِيْمَان اُورْدِه اِيْد چْرَا چِيْزِي مِي كُوِيْد كِه اِنْجَام نَمِي دِهِيْد.»

● پس بهتر است نامزدهای انتخابات توجه داشته باشند که دنیا
● آخرت خود را به چند رای بیشتر نفروشدند و هر حرف و وعده ای را به زبان نیاورند. شایان ذکر است، طرفداران نامزدها نیز باید در نظر داشته باشند که از نامزدهای مورد حمایت خود، منجی نسازند که قرار است در مدت کوتاهی تمام مشکلات و آسیب ها را با به کار گرفتن روش های ماورایی حل کند!

پرهیز از اسراف در تبلیغات و جلوگیری از ورود پول های کثیف

خداوند متعال در آیه ۲۷ سوره مبارکه اسراء می فرماید: «إِنَّ الْمُبَذِّرِينَ كَانُوا إِخْوَانَ الشَّيَاطِينِ ۗ وَكَانَ الشَّيْطَانُ لِرَبِّهِ كَفُورًا؛ که مَبْذِرَان و مَسْرِقَان برادران شیطانهایند، و شیطان است که سخت کفران (نعمت) پروردگار خود کرد.»

طبق روایات واصله از وجود مبارک معصومین (ع)، اسراف از گناهان کبیره به شمار می آید اما متأسفانه یکی از آسیب های موجود در فضای انتخاباتی کشور که ناشی است از مواجهه با دمکراسی غربی و تاثیرپذیری از آن و همچنین رسوخ تفکر قدرت طلبانه و تلاش برای کسب قدرت به هر قیمت در بین عده ای، (در حالیکه هدف کارگزاران در نظام اسلامی باید خدمت باشد؛ نه کسب قدرت) صرف هزینه های هنگفت در ایام تبلیغات انتخاباتی است. در هر دوره و از سوی گروه ها و افراد مختلف که گاه ادعای ساده زیستی نیز داشته اند، شاهد چاپ، توزیع و نصب افسارگسیخته پوستر و بنرهای تبلیغاتی و همچنین ایجاد کارناوال های انتخاباتی بوده ایم. برای نمونه در سال ۸۸، احمدی نژاد و موسوی، هر دو ادعای ساده زیستی داشتند اما حجم



اخلاق انتخاباتی در ایران

جمهوریت از ارکان تفکیک ناپذیر نظام جمهوری اسلامی ایران می باشد و بی شک انتخابات، تجلی و نمود عینی جمهوریت نظام است. در هر انتخاباتی، افراد و گروه های مختلف با اهداف و تفکرات متفاوت درصدد اثبات شایستگی خود به مردم جهت کسب توفیق خدمت به مردم در نظام اسلامی و کسب رضای الهی هستند.

یقینا برای وصول به این مهم، رعایت اخلاق اسلامی ضروری است. رعایت اصولی که اساسا، رقابت و انتخابات در نظام اسلامی را با سایر نظام های مرسوم در جهان متمایز میکنند.

در این یادداشت، برخی از مولفه های اخلاق انتخاباتی با استمداد آیات قرآن و احادیث صادره از معصومین (ع) گوشزد می شوند:

پرهیز از وعده های واهی

فضای انتخابات، فضایی مملو از هیجان و احساسات است. چنین فضایی، بعضا موجب می شود تا نامزدها برای جلب نظر مردم، وعده هایی بدهند که توانایی انجام آن را ندارند یا اصلا آن موضوع خاص که درباره آن وعده میدهند، در حیطه وظایف و اختیارات آنها نیست!

برای نمونه حسن روحانی در تاریخ ۲۲ اردیبهشت ۹۶ (آخرین مناظره انتخابات دوازدهم) گفت: «آمادگی دارم در چهار سال بعد غیر از تحریم های هسته ای، بقیه تحریم ها را هم بردارم و عزت و منفعت ایران را برگردانم.»

حال سوالی که پیش میاید این است که آیا روحانی نمیدانست که اساسا نقش اصلی را در رفع تحریم ها طرف مقابل بازی میکند؟ آیا نمیدانست که رفع تحریم ها به تنهایی در اختیار رئیس جمهوری اسلامی ایران نیست؟ آیا

و به دور از تشنج و هیجان‌ات کاذب و مخرب و در سایه احترام متقابل، رعایت انصاف و پرهیز از تهمت زدن به یکدیگر.

متأسفانه در سال‌های اخیر شاهد سقوط ارزش‌های اخلاقی در بین سیاستمداران بوده‌ایم. استفاده از برخی الفاظ توسط رئیس‌جمهور سابق، توهین‌های متعدد رئیس‌جمهور فعلی به منتقدین و همچنین حجم تخریب و بی‌اخلاقی موجود در مناظرات این دوره از انتخابات، گواهی بر این مدعاست.

نامزدهای انتخابات باید بطور شفاف هدف خود از ورود به این عرصه و تلاش برای رسیدن به مسند ریاست را بیان کنند. آیا قصد دارند به هر قیمتی و با زیر پا گذاشتن تمامی مرزهای اخلاقی به این جایگاه دست پیدا کنند؟!

آیا هدفشان از برنامه‌های تبلیغاتی، معرفی خود و عرضه برنامه‌هایشان به مردم است یا صرفاً تخریب و توهین و تهمت؟!!

آیا بدنبال ایجاد فضایی سالم جهت کشف حقیقت هستند یا بدنبال ایجاد فضایی غبارآلود برای رسیدن به منافع شخصی و قبیله‌ای؟!!

بررسی سرگذشت افرادی که با به کار گرفتن چنین رویه‌ای بر اریکه قدرت تکیه زده‌اند نشان می‌دهد که نهایتاً چیزی جز بی‌آبرویی نزد ملت عایدشان نشده است.

امید است نامزدهای انتخابات ریاست جمهوری و همچنین شوراهای اسلامی شهر و روستا و طرفدارانشان، اخلاق اسلامی را سرلوحه کار خود قرار دهند و برای رسیدن به مقامات دنیوی، آخرت خود را با انواع و اقسام گناهان ویران نکنند! اگر هدف جلب رضای الهی و توفیق خدمت به مردم باشد، نیازی به این حجم از بداخلاقی نیست.

عظیمی از تبلیغات خیابانی از سوی ستادهای این دو نامزد صورت گرفت که در ملت‌هپ نمودن فضا و تقابل طرفداران نامزدها بی‌تأثیر نبود.

نامزدهای انتخابات باید به این نکته توجه داشته باشند که هزینه مالی تبلیغات ستادهای انتخاباتی‌شان از کجا تأمین می‌شود؟

آیا این ستادها تماماً با کمک‌های خودجوش مردمی اداره می‌شوند؟ آیا در این میان، سرمایه‌دارانی با پول‌های کلان درصدد نفوذ به ستادها نیستند؟ قطعاً نامزدهایی که احتمال موفقیت بیشتری دارند و همراهانشان باید در قبال ورود چنین افرادی با پول‌های کثیف به کارزار انتخابات، حساسیت و مراقبت لازم را به خرج دهند.

نامزدهایی که در این ایام، اجازه ورود چنین افراد منفعت‌طلبی به بدنه همراهان خود را میدهند، آیا تضمینی میدهند که پس از موفقیت در انتخابات، وامدار آنان نباشند و در دوراهی منافع فرصت‌طلبان و مصالح ملی، اولی را انتخاب نکنند؟

احترام متقابل و دوری از تهمت

یامبر گرامی اسلام (ص) فرمود: «به هیچ چیزی پس از نهی از بت‌پرستی به اندازه نزاع و ستیزه‌کردن با دیگران نهی نشده‌ام.»

رشد آگاهی سیاسی مردم از اهداف نظام اسلامی است. این مهم میسر نمی‌شود مگر در فضایی سالم و عقلانی

تر و با اهمیت کمتر برای مردم ایران. اما یکی از مباحث و معضلات اصلی که نقش کم‌رنگی و یا حتی تقریباً بی‌رنگی در مناظرات داشت، مسائل و مشکلات اقشار آسیب‌پذیر و ارائه راهکار دقیق برای حل این مسائل و مشکلات بود. یادداشت حاضر به این مسئله می‌پردازد. نکته لازم به ذکر این است که یادداشت پیش رو صرفاً ناظر به مناظرات به عنوان اصلی‌ترین و پر بیننده‌ترین برنامه تبلیغاتی ریاست جمهوری و تنها فرصت صحبت رو در رو و هم‌زمان نامزدها با یکدیگر از بزرگترین رسانه کشور و ناظر به مباحث مطرح شده در آن است.



اقشار آسیب‌پذیر، حلقه مفقوده مناظرات ۱۴۰۰

علی بیات | دانشجوی کارشناسی دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری

اقشار آسیب‌پذیر در سال‌های اخیر همواره مورد اجحاف و نابرابری و بی‌عدالتی قرار گرفته‌اند و از آنجایی که مشکلات مربوط به اقشار آسیب‌پذیر به عنوان یکی از ابرچالش‌ها و

در سه مناظره انتخابات ریاست جمهوری امسال، موضوعات و مباحث مختلفی مطرح شد از مواردی چون تحریم‌ها، برجام و FATF تا معدن و محیط زیست. برخی از این موضوعات مهم و از دغدغه‌های اصلی روز مردم بود و برخی نیز موارد جزئی

در مورد کارگران به عنوان بزرگترین گروه شغلی کشور نیز صرفاً اشاراتی کوتاه و اندک شد. آن هم فقط در حد آسیب شناسی. همان آسیب شناسی هم ناقص بود! بیش از ۹۳ درصد از کارگران قرارداد موقت اند و این یعنی بیش از ۹۳ درصد از جمعیت بیش از بیست میلیونی کارگران در معرض بیکاری اند و هیچ آینده بلند مدت کاری ندارند. تعداد زیادی از کارگران و به تبع خانواده آنها، تحت پوشش هیچ بیمه ای نیستند. همچنین دست کم ۱۳ میلیون کارگر مشمول قانون کار نیستند از جمله ۱ تا ۳ میلیون کارگر مهاجر، دست کم ۵ میلیون کارگر کارگاه های کمتر از ده نفر، کارگران قالی بافی و... دست کم هزار کارگر سالیانه در حوادث کارگری کشته می شوند و زنان آنان بیوه و فرزندانشان یتیم می شوند. این جمعیت چند میلیونی چند دقیقه از وقت مناظرات را به خود اختصاص دادند و مدارک و مدارج تحصیلی نامزدها چند دقیقه؟

از انواع و اقسام شوراها سخن گفته شد و نقدهایی به آنها وارد کردند، اما از شورای عالی کار و تصمیمات و ترکیب آن که معیشت دست کم چهل میلیون نفر به آن وابسته است چه گفتند و چه نقدی وارد کردند؟ دستمزد های کارگری که کارگران ایرانی را تبدیل به یکی از ارزان ترین کارگران جهان کرده و سفره آنها را سال به سال کوچک تر می کند به چه اندازه محور مناظرات قرار گرفت؟ تشکل زدایی از کارگران و برخورد های امنیتی با اعتراضات کارگری چطور؟ یا خودکشی های کارگران از سر فقر و نداری؟ یا دستمزد های معوقه؟ یا...

البته همه این نقد ها را نمی توان به کاندیداها ارجاع داد. بخشی از آن مربوط به شیوه مناظرات و ترکیب سوال و جواب ها بود که حتی صدای خود کاندیداها را هم در آورد! به عنوان مثال طرح برخی سوالات که واقعاً مربوط به مشکلات اساسی مردم نبودند یا اینکه طرح سوالات بلند، خواسته یا ناخواسته به پاسخ ها جهت می دهد و آنها را محدود می کند و یا سوالات مهمی چون مسئله خصوصی سازی ها باید از همه نامزدها پرسیده شود و نه فقط به پاسخ یک نامزد اکتفا شود. بقیه مشکلات مربوط به مناظرات را هم خودتان به این موارد اضافه کنید...

در مواقعی نیز برخی نامزدها به برخی از این اقشار آسیب پذیر مانند کولبران، زلزله زدگان، کارگرانی که با خصوصی سازی ها در معیشت و کار دچار مشکل شدند، اشاراتی داشتند که شیوه بهتر برگزاری مناظرات علی الخصوص مناظرات دو نفره و رو در رو می توانست بهتر و بیشتر به این موارد مطرح شده پرداخته شود.

در مجموع هرچند که در مناظرات امسال، نقش اقشار آسیب پذیر چه در پرسش ها و چه در پاسخ ها، چشمگیر نبود و راهکاری جدی و دقیق برای رئوس مشکلات آنها بیان نشد اما امیدواریم که رئیس جمهور منتخب، بهتر و بیشتر به مسائل این اقشار بپردازد و برخلاف دولت های پس از جنگ، از میزان آسیب های وارده به آنها بکاهد.

مشکلات بزرگ روز حاکمیت است، انتظار می رفت که در مناظرات امسال نقش پررنگی داشته باشند. اما اینگونه نبود! البته برخی مسائل و مباحث مطرح شده ناظر به این اقشار بود، لکن این مسائل و مباحث عمدتاً مربوط به همه ملت یا حداقل اقشار آسیب پذیر و ضعیف و متوسط بود. علاوه بر آن، اقشار آسیب پذیر لزوماً از طبقه ضعیف اقتصادی جامعه نیستند و هر طبقه ضعیفی لزوماً آسیب پذیر نیست. منظور در اینجا مباحث مخصوص به اقشار آسیب پذیر است.

در مناظرات امسال هیچ صحبتی از مشکلات معلولان و ناتوانان جسمی و ذهنی نشد. نامزدی سخن از کودکان کار نگفت. نامزدها درباره زنانی که پیامک بی حجابی برای آنها فرستاده می شود یا پرداخت حقوق به زنان خانه دار و حضور زنان در کابینه سخنرانی کردند اما چه راهکاری برای زنان سرپرست خانه وار و زنان کارگر ارائه دادند؟ از دخترانی که آب بازی می کنند و توسط گشت ارشاد بازداشت می شوند گفتند اما از دخترانی که از سر فقر و نداری خودکشی میکنند چه گفته شد؟ از کودک همسری ها چه گفته شد؟ از انواع خشونت ها علیه دختران و زنان چه گفته شد؟ از مریم میرزاخانی و بی بی مریم بختیاری سخن راندند اما از ده ها مریم میرزاخانی بالقوه ای که بخاطر مشکلات اقتصادی و محرومیت ها و توزیع ناعادلانه ثروت و آموزش در کشور توان تحصیل ندارند یا اگر هم داشته باشند، جای پیشرفت ندارند، چه گفتند؟

چقدر صدای مستضعفانی که قربانی سیاست های اقتصادی دولت ها شده اند و می شوند شنیده شد؟ گران کردن بنزین و نحوه غلط اطلاع رسانی آن و به تبع اعتراضات بنزینی آبان ۹۸ و خسارات اجتماعی و اقتصادی و جانی در مناظره اول (با محوریت اقتصاد) و مناظره دوم کاملاً مسکوت ماند و صرفاً در مناظره سوم در حد چند جمله به قصد رفع مسئولیت از خود یا نقد (یا چه بسا تخریب) رقیب اکتفا شد. چرا نامزدهای مخالف دولت از سیاست حذف کارت سوخت که باعث افزایش قاچاق بنزین به عنوان یکی از اصلی ترین دلایل گرانی بنزین چیزی نگفتند؟ چرا به اینکه برای نمایش هم که شده حتی یک مدیر میانی یا یک مسئول، محاکمه که هیچ، برکنار هم نه، حتی استعفا هم نداد اعتراضی نکردند؟ چرا برای اینکه عمده معترضین از شهر ها و مناطق حاشیه ای بودند حتی آسیب شناسی هم نشد؟ چرا کسی خواستار توضیح درباره نحوه اجرای دستور مقام معظم رهبری درباره لزوم دلجویی از خانواده قربانیان و شهید نامیدن برخی کشته شدگان و اجرای رأفت اسلامی نسبت به مشکوکان به شرارت نشد؟



گاهنامه فرهنگی، سیاسی، اجتماعی

نشریه دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری

ویژه نامه انتخابات

خرداد ماه ۱۴۰۰



الهه قانع، کارشناسی ارشد، حقوق خانواده، دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری
سمیرا نادریان، کارشناسی ارشد، حقوق خانواده، دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری

همکار: اطهر درویشی، کارشناسی ارشد، حقوق خانواده، دانشگاه مفید



رهبر معظم انقلاب اسلامی در اولین روز از سال نو خطاب به ملت شریف ایران وظایف اساسی دستگاهها و مردم برای تحقق شعار سال و حمایت تولید و رفع موانع آن، سیاست را تبیین نموده و در ادامه، انتخابات ریاست جمهوری در خرداد ۱۴۰۰ را در ابعاد داخلی و خارجی بسیار مهم برشمردند و با اشاره به نقشه و تلاش گسترده‌ی دشمنان برای ناامید کردن مردم از حضور در انتخابات تأکید کردند: ریاست جمهوری با اختیارات بسیار وسیع، مهمترین و مؤثرترین مدیریت کشور است.

و مردم برای ناامید کردن دشمن و نوسازی دستگاه اجرایی، در انتخاب رئیس‌جمهور خصوصیاتمانند مردمی بودن، کفایت، قدرت مدیریت، ایمان، عدالت‌خواهی، ضد فساد بودن، عملکرد انقلابی و جهادی، اعتقاد به توانمندی‌های داخلی، امیدواری به آینده و اعتقاد به جوانان را مورد توجه قرار دهند.

رهبر معظم انقلاب در بخشی از بیانات مهم شان در ابتدای سال ۱۴۰۰ به مساله مهم انتخابات اشاره کرده و فرمودند: انتخابات پیش رو بسیار مهم است. مطلب اول اهمیت انتخابات است. انتخابات در کشور بسیار مهم است، هم از جنبه خارجی هم داخلی. از جنبه داخلی یک نوسازی در کشور صورت می‌گیرد و افراد تازه نفسی و پیرانگیزه وارد کار می‌شوند و در دستگاه اجرای کشور یک نوسازی صورت می‌گیرد و نفس تازه‌ای به دستگاه اجرایی داده می‌شود.

ایشان فرمودند: از جهت وجهه خارجی هم انتخابات و مشارکت مردم نشان دهنده اقتدار ملی است. همه باید بدانیم و اذعان کنیم که امکانات دفاعی و قدرت دیپلماسی به کشور اقتدار می‌دهد و شکی نیست اما بیش از همه اینها ملت و مردم یک کشور هستند که به کشور اقتدار می‌دهند. وقتی در دنیا احساس شود که این ملت هوشیار و بیدار و بانگیزه است هیبت و اقتداری در چشم همه پیدا می‌کند. بنابراین حضور مردم موجب اقتدار کشور می‌شود.

اهمیت مساله ریاست جمهوری

در نگاه مقام معظم رهبری

رهبر انقلاب اسلامی تأکید کردند: فردی که معتقد است نمی‌توان از لحاظ دفاعی، سیاسی اقتصادی و تولیدی کاری در داخل انجام داد، لایق حکمرانی بر مردم نیست.

ایشان افزودند: کسانی باید بر سر کار بیایند که معتقد به مردم و جوانان باشند، عنصر جوان را قدر بدانند، عملکرد انقلابی داشته باشند و حقیقتاً عدالتخواه و ضدفساد باشند حضرت آیت‌الله خامنه‌ای خاطرنشان کردند: چنین دولتی پس از روی کار آمدن می‌تواند با گماردن صدها مدیر جوان و مؤمن در مدیریت‌ها کار کشور را سامان دهد.

انتخابات از لحاظ داخلی یک نوسازی و یک نفس تازه برای بخش اجرایی است زیرا افراد تازه نفس و پُرانگیزه وارد کار می‌شوند و این موضوع بسیار مبارک است. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای حضور و مشارکت مردم در انتخابات را از لحاظ بین‌المللی نشان‌دهنده اقتدار ملی دانستند و افزودند: آنچه بیش از توان دفاعی و قدرت دیپلماسی زمینه‌ساز اقتدار کشور است، خود مردم و هوشیاری و پُرانگیزه و سرپا بودن آنهاست و مظهر این حضور و اقتدار از همه مهمتر در انتخابات است ایشان خاطر نشان کردند: دشمن تلاش دارد با شیوه‌های روانی مشارکت مردم در انتخابات را کاهش دهد که امیدواریم مردم با پاسخ رد، دشمنان را ناامید کنند رهبر انقلاب اسلامی گفتند: همه ما باید به هنگام رأی دادن متوجه مسئولیت بزرگ و سنگینی باشیم که بر عهده رئیس‌جمهور است.

مهم‌ترین و موثرین مدیریت کشور ریاست جمهوری است. اینکه می‌گویند رئیس‌جمهور اختیارات ندارد، تدارکاتچی است، ۱۲ درصد و ۱۵ درصد اختیارات است و حرف‌هایی که این چند سال در گوشه و کنار شنیده می‌شود یا از روی بی‌مسئولیتی و غرض‌ورزی گفته می‌شود یا از روی بی‌اطلاعی. رئیس‌جمهور از پرمشغله‌ترین و پرمسئولیت‌ترین مدیریت‌های کشور است. همه مراکز مدیریتی کشور تقریباً در اختیار رئیس‌جمهور است ایشان پس از تأکید بر مشارکت بالا در انتخابات انتخاب مطلوب و خوب را مورد تأکید قرار دادند و گفتند: دولتی باید تشکیل شود که دارای کفایت و مدیریت، با ایمان، لبریز از امید و معتقد به توانمندی‌های داخلی باشد چرا که اگر مسئولین دولتی ناامید باشند کاری از پیش نمی‌رود.



ایشان با تأکید به آحاد مردم مبنی بر دقت در انتخاب خود، در بیان ویژگی‌های یک رئیس‌جمهور مطلوب گفتند: رئیس‌جمهور مطلوب باید با کفایت، با ایمان، عدالت‌خواه و ضد فساد، دارای عملکرد انقلابی و جهادی، معتقد به توانمندی‌های داخلی، معتقد به جوانان به‌عنوان پیشران حرکت عمومی، کشور و امیدوار به آینده باشد. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای تأکید کردند: اگر چنین فردی بر سر کار بیاید کشور را به نقطه‌ی مطلوب خواهد رساند و مردم باید فردی با این خصوصیات را پیدا کنند که البته پیدا کردن آن شاید برای آحاد مردم آسان نباشد و باید به افراد مطلع و مورد اطمینان مراجعه کنند. رهبر انقلاب اسلامی در پایان بحث انتخابات، به لزوم حفظ وحدت و انسجام ملی اشاره کردند و افزودند: انتخابات باید نماد وحدت ملی باشد نه نماد دودستگی و تفرقه و دوقطبی‌گری.

ایشان با تأکید بر اینکه تقسیم بندی‌های غلط چپ و راست باید کنار گذاشته و فقط آینده کشور و نظام اسلامی در نظر گرفته شود، خاطر نشان کردند: اختلاف در سلیقه و بینش سیاسی و قومیت و مذهب اشکالی ندارد اما این مسائل نباید برهم زنده وحدت ملی باشند. انتخابات و انتخاب اصلح برای ملت ایران، یک امتحان الهی است. اگر با چشمان باز و آگاهانه در پای صندوق‌های رأی حضور پیدا نکنیم، تکلیف خود را درست انجام نداده ایم. اصل شرکت در انتخابات، انجام یک واجب است، اما واجب دوم این است که برای نمایندگی، اصلح و شایسته‌ترین را انتخاب کنیم. بنابراین، باید با تحقیقات صحیح، در صدد شناخت اصلح باشیم و ببینیم چه کسی شایسته‌تر است. باید نهایت دقت را به کار ببریم تا در بین کاندیداها، آن کسی را که صلاحیتش بیشتر است برگزینیم. باید اوصاف نماینده خوب را مرور کنیم و سپس آن را با کاندیداها تطبیق دهیم و بهترین فرد را بشناسیم و به او رأی دهیم؛ و با رأی همه ملت ایران، مجلسی در تراز انقلاب اسلامی ایران شکل بپذیرد و مشکلات جامعه را حل کند. برای تبیین این حقیقت و اهمیت انتخاب اصلح و ویژگی‌های نماینده شایسته و برتر، نگاهی می‌اندازیم به رهنمودهای امام خمینی و امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) عزیز، تا راه را بهتر بشناسیم. و با حرکت در مسیر مستقیم الهی به وظیفه دینی، انقلابی و شرعی خود عمل کنیم. مرور این بیانات، ما را در رسیدن به هدف کمک می‌کند.



۱۳۸۸

- ✓ مبدا نامزدها در اثنای فعالیتهای انتخاباتی خود جواری رفتار کنند و حرفی بزنند که دشمن را به طمع بیندازند نامزدها رقابتها و حرفها را منصفانه کنند، از جاده انصاف خارج نشوند
- ✓ به طور طبیعی هر نامزدی حرفی دارد و حرف مقابل خود را رد میکند؛ این رد و ایراد فی نفسه اشکالی ندارد؛ اما مشروط بر اینکه در آن بی‌انصافی و کتمان حقیقت نباشد
- ✓ کسانی با رأی ملت سر کار نیایند که در مقابل دشمنان بخواهند دست تسلیم بالا ببرند و آبروی ملت ایران را ببرند

۱۳۸۴

- ✓ یک انسان قوی، با کفایت، دارای نشاط و شادابی و شوق به کار و احساس مسؤولیت می‌تواند حرکت ۲۰ ساله به سمت چشم‌انداز را که امسال این شروع انجام می‌گیرد با قوت و قدرت آغاز کند.
- ✓ مدیری که ملت ایران در انتخابات بر خواهد گزید، شروع‌کننده است، در واقع وارد کننده کشور در یک دوره جدید و در یک حرکت تازه به سمت همان چیزهایی است که احتیاج دارد.
- ✓ ملت ایران می‌خواهد مدیری را انتخاب کند که بتواند موانع اجرای برنامه را از سر راه ملت ایران بردارد؛ مثل بولدوزری که موانع را برمی‌دارد تا جاده‌ای را صاف کند.

بیانات مقام معظم رهبری با محور

ویژگی‌های يك رئیس جمهور مطلوب

- ✓ با کفایت و با ایمان
- ✓ عدالت‌خواه و ضد فساد
- ✓ دارای عملکرد انقلابی و جهادی
- ✓ معتقد به توانمندی‌های داخلی
- ✓ معتقد به جوانان به‌عنوان پیشران حرکت عمومی کشور و امیدوار به آینده

۱۴۰۰

- ✓ باید عزت ملی، سربلندی و عظمت ملت در مقابل استکبار حفظ بشود
- ✓ نامزدهای انتخاباتی نشان بدهند که در مقابل زیاده‌خواهی آمریکا، در مقابل خباثت‌های صهیونیست‌ها ایستاده‌اند
- ✓ داشتن همت برای اشتغال
- ✓ توجه به تولید ملی

۱۳۹۶

- ✓ رئیس‌جمهور هر دوره‌ای باید امتیازات کسبی و ممکن‌الحصول رئیس‌جمهور قبلی را داشته باشد، ضعفهای او را نداشته باشد
- ✓ هر کسی می‌آید، پایبند به انقلاب و پایبند به ارزشها باشد
- ✓ پایبند به منافع ملی و پایبند به نظام اسلامی باشد
- ✓ پایبند به عقل جمعی و پایبند به تدبیر باشد

۱۳۹۲

جوان ها است ، مسئله ی اصلی مردم معیشت طبقات ضعیف جامعه است ، مسئله ی اصلی مردم مافیای وارداتی است که کمر تولید داخلی را می شکند ، مسئله ی اصلی مردم سیاست های غلطی است که فلان جوان مبتکر را که می تواند کار انجام بدهد مایوس می کند اما در مورد مسئله ی مشارکت، که بعضی نگرانند مشارکت کم خواهد شد . بنده به نظرم این جور می رسد که در مشارکت مردم حالا گروه های خاص را کار نداریم ؛ یک گروه ممکن است دنبال فلان اسم یا فلان جناح یا فلان عنوان باشند؛ این ها را کار نداریم عامه ی مردم و عموم مردم دنبال اسم این و آن نیستند؛ عامه ی مردم دنبال این هستند که ببینند چه کسی دارای یک مدیریتی است ، دارای یک قوت عمل یا قوت اراده ای است ، دارای یک کار آمدی ای است که می تواند مشکلات کشور را از میان بر دارد؛ دنبال این هستند . این که حالا چه کسی با چه نامی ، با چه عنوانی و از چه جناحی وارد میدان بشود برای عموم مردم مطرح نیست ؛ برای گروه های خاص چرا ، اما برای عموم مردم نخیر . اگر نامزدهایی که امروز در صحنه اند بتوانند بیان کنند و به مردم نشان بدهند که دارای این کارآمدی هستند ، مردم پای صندوق ها هم می روند و مشارکت بالایی هم خواهد بود ان شاء الله به توفیق الهی . مهم این است که نامزدها بتوانند مردم را قانع کنند ، مردم را به این نتیجه برسانند که این آقا یا این اشخاص می توانند کشور را اداره کنند ، مدیریت ، مدبرند ، با صداقتند ؛ باید صداقت افراد شناخته بشود و کسانی باشند که دردهای جامعه را بشناسند.



کار درست

انتخاب درست

مقام معظم رهبری در راستای انتخابات بیان کردند : من به نامزدهای گوناگون عرض میکنم جوری حرف بزنید که اگر خرداد سال آینده نوار امروز شما را جلوی خودتان گذاشتند یا پخش کردند شرمند نشوید ؛ جوری وعده بدهید که اگر چنان چه آن وعده را بعدا به رخ شما کشیدند ، مجبور نباشید تقصیر را گردن این و آن بگذارید که نگذاشتند ، نشد . کاری را که می توانید انجام دهید ، وعده بدهید. مردم بدانند اثر انتخابات تا چند سال باقی خواهد ماند کسانی که به پای صندوق را ترویج می کنند دلسوز مردم نیستند . به مردم عزیزمان عرض می کنم ؛ ملت عزیز ایران انتخابات در یک روز انجام می گیرد اما اثر آن در چند سال باقی می ماند . در انتخابات شرکت کنید ، انتخابات را متعلق به خودتان بدانید که متعلق به شما است و خدا کمک و هدایت بخواهید که شما را هدایت کند به آن چه که درست و حق است و به کسی که شایسته است و بروید پای صندوق و رای بدهید . به حرف این کسانی که ترویج می کنند که فایده ای ندارد، نرویم ، نمیرویم پای صندوق رای اعتنا نکنید.

این ها دلسوز مردم نیستند. کسی که دلسوز مردم است مردم را از رفتن پای صندوق منع نمی کند اما توصیه به نامزدها ملاحظات اخلاقی جدا رعایت بشود ؛ یعنی واقعا اگر چنانچه نامزدهای انتخابات ما هم در مناظراتشان ، هم در مصاحبه هایی که با آن ها می شود ، اخلاق اسلامی را رعایت بکنند این سر ریزی می شود در جامعه ، آحاد مردم ملاحظات اخلاقی را یاد می گیرند و رعایت می کنند ؛ این سر مشقی برای آن ها خواهد شد . من شنیدم گفته شده که نامزدها در مناظرات و گفت و گو ها نظر خودشان را در باب فضای مجازی بگویند یا در باب سیاست خارجی بگویند ، نه آقا ، مسئله ی اصلی مردم فضای مجازی و سیاست خارجی و ارتباط با این دولت و آن دولت نیست؛ مسئله ی اصلی مردم بیکاری

اگر واقعا یک دولتی سر کار بیاید که مسئولین بالای دولت اعتقاد به جوان ها داشته باشند ، اطمینان به جوان ها داشته باشند ، همچنان که امام بزرگوار داشت و کار را با جوان ها پیش برد ، اگر یک چنین دولتی سر کار بیاید ، به نظر من مشکلات خیلی زود حل خواهد شد ؛ همه ی این مشکلاتی که امروز جلوی چشم ما است و با همه ی دشواری ها و پیچیدگی ها و مانع ها و مانع تراشی ها و دشمنی هایی که از خارج و بعضا از داخل صورت می گیرد ، به نظر من همه ی این کار ها ، همه ی این آرمان ها و خواسته ها و مطالبات ، قابل تحقق است . در گذشته هم جوان ها کارهای کارستان کردند ؛ هم در انقلاب ، هم در دفاع مقدس و هم در جهاد سازندگی مثلا جوان ها بودند دیگر؛ آن ها هم جوان های دانشجو بودند که بعضی رفتند در سپاه، بعضی در جهاد ، بعضی در کمیته های انقلاب و مشغول کار شدند و کار های بزرگی را انجام دادند امروز خوشبختانه کشور از لحاظ پرورش نیروی، انسانی مومن و انقلابی و دارای اعتماد به نفس و متخصص بحمد الله وضع خوبی دارد ؛ یعنی ما از لحاظ نیرو کمبود نداریم ؛ نیروهایی هستند که باید شناسایی بشوند

اگر میل به حضور جوان ها نبود شناسایی جوان ها هم انجام نمی گیرد و دولت و مجموعه ی نظام مجموعه ی حکمرانی کشور هم از منافع وجود آن ها محروم می ماند . از جدل بیهوده و عیب جویی و طعنه زنی پرهیز کنیم . یا اباذر لا تکن عیابا و لا مداحا و لا طعانا و لا ماریا . پیامبر (ص) به اباذر فرمود : ای اباذر عیب جوی این و آن نباش که مدام انسان این و آن تعییب کند ، عیب این را بگیرد عیب آن دیگری را بگیرد عیاب یعنی کثیر التعییب ؛ بعضی ها این جور هستند دیگر؛ مرتبا در فکر این هستند که یک عیبی از کسی پیدا کنند و آن را ذکر کنند نقطه ی مقابلش هم این است : مداح این و آن نباش همین طور مدام تعریف های زیادی ، بیش از حد؛ این هم منهی نهی شده است در این روایت مدح زیادی هم همین جور است عیب این را بگیرد ، عیب آن را بگیرد حالا یک وقت انسان متصفانه در مقامی که لازم است تمجیدی از کسی می کند اما بکند یا مبالغه آمیز درباره ی کسی حرف بزند و مدح بکند ، ممنوع است.

به خصوص مدح صاحبان قدرت و ثروت که عیب آن و زشتی آن خیلی بیش تر هم هست . طعنه زن به این و آن نباش . طعنه زن غیر از عیب جویی است . کارهای افراد را طعنه می زند ، یک چیزی را در یک کسی مستمسک قرار می دهد . می بینیم دیگر این روزها طعنه زدن به این و آن متأسفانه رایج است به خصوص در این مطبوعات و روز نامه ها و مانند این ها . یک کسی یک حرفی زده که مثلا یک خرده ای به نظر مبالغه آمیز می آید؛ این را به یک شکلی ، مثلا مسخره آمیز تیتتر کنند در روزنامه و بزرگ کنن و اهل جدل هم نباش . ممارات یعنی مجادله کردن ، مباحثه های بیخودی سر یک چیزی کوچکی یا بحث علمی مدام سر و کله زدن و مدام بحث کردن و مدام استدلال کردن و مانند این ها. خب همه ی حرف های دنیا را می شود یک دلیلی برایش ذکر کرد ، و بر همه ی دلیل ها ی دنیا هم می شود یک اشکالی - وارد یا نا وارد؛ وارد کرد؛ این یکی به آن اشکال کند آن به این اشکال کند؛ تمام شدنی نیست



امام خمینی و جمهوریت

این موضوع از دو منظر می توان نگرینست: ۱- از منظر دینی و اعتقادی و در چهارچوب مسئولیت و حق. ۲- از این منظر که تحقق عملی حاکمیت دین بدون مردم امکان پذیر نیست حکومت ها بدون پشتوانه مردمی چاره ای جز روی آوردن به زور و ظلم نخواهد داشت و از آن جا که در حکومت اسلامی ظلم جایز نیست، تحقق حکومت اسلامی و ادامه آن فقط با پشتوانه مردمی امکان پذیر است. مردم سالاری دینی و جمهوری اسلامی یک طرح ناب و خالص دینی است و این که برخی می گویند امام مردم سالاری را از غربی ها گرفت، سخنی بی مبنا است؛ زیرا امام کسی نبود که به خاطر رودربایستی از حکم خدا منصرف شود. امام دو کلمه جمهوری و اسلامی یعنی حاکمیت اسلام و حاکمیت مردم را گره گشای همه مشکلات می دانستند، هر زمان که مردم به کار گرفته شدند و معیارهای اسلام رعایت شد پیش رفتیم و هر جا یکی از این دو رعایت نشد، پیش نرفتیم. از دیدگاه امام (ره)، اسلام از یک طرف، ضد تحجر و التقاط، ضد ظلم، استکبار، فساد و ویژه خواری، ضد سلطه آمریکا و دخالت بیگانگان ضد اشرافی گری و اختلاف طبقاتی، و از طرف دیگر طرفدار محرومان و عدالت خواه، است. امام انتخابات را فریضه دینی می دانستند و در وصیت نامه خود می گویند عدم حضور در انتخابات در برخی مقاطع چه بسا گناهی در راس گناهان کبیره باشد و کوتاهی در مشارکت، پیامدهای دنیوی و حتی تا نسل های بعد داشته باشد که مستلزم بازخواست الهی است. متأسفانه برخی از ادبیات مختلف، حرف دشمنان را تکرار می کنند. گاهی از لزوم ایدئولوژی زدایی و حرکت به سمت لیبرال دموکراسی می گویند، گاهی از موضع دلسوزی برای قداست دین وارد می شوند و حتی برخی هم می گویند ضوابط اسلامی با مردم سالاری قابل جمع نیست. به لطف خداوند بعد از رحلت امام، ملت ایران عطیه الهی مردم سالاری دینی را حفظ کرده و در مقابل توطئه دشمنان برای جدایی مردم از نظام و بی اعتقاد کردن آن ها به اسلام و مردم سالاری دینی، محکم ایستاده اند. دعوت مردم به حضور نیافتن در انتخابات با بهانه های واهی عمل به خواست دشمنان است و اگر هر یک از دو رکن مردم سالاری و دین تضعیف شود، اسلام و ایران ضربه و سیلی خواهند خورد. مردم سالاری دینی از متن اسلام برخاسته است و هر کس انکار کند در قرآن مطالعه و تدبر نکرده است. در قانون اساسی هم جمهوریت و هم اسلامیت در نظر گرفته شد، ه است. در قانون اساسی از شروط رئیس جمهور، ر جل سیاسی و مذهبی بودن و حفظ تقوا و امانت است و این بدین معنا است که رئیس قوه اجرایی با اقدامات خردمندانه، در سیاست مصلحت مردم را در نظر بگیرد و در میدان اعتقادات نیز دین مردم را هدایت و حفظ کند.



حضرت آیت الله خامنه ای با اشاره به شکست کامل پیش گویی های دشمنان و اقتدار و پیشرفت و توسعه مستمر جمهوری اسلامی افزودند: راز پر شکوه و افتخار آمیز ماندگاری نظام امام خمینی، همراهی دو کلمه جمهوری و اسلامی است. ایشان، ابداع نظریه جمهوری اسلامی را کار بزرگ امام خمینی خواندند و افزودند امام بزرگوار این نظریه را در عرصه نظریات سیاسی بین المللی وارد کرد و با قدرت مردم و معرفت بسیار عمیق خود آن را عینیت بخشید و محقق کرد. شناخت و تسلط جامع امام خمینی بر معارف اسلامی را پشتوانه ایجاد و تحقق نظریه جمهوری اسلامی بر شمردند و گفتند امام لزوم حاکمیت اسلام و اعتقاد به مردم را از دل اسلام ناب به دست آورده بود و به آن ها عمیقاً ایمان داشت. موضوع جمهوریت و مردم سالاری.

مخالفان جمهوری اسلامی

بخشی از مخالفان حاکمیت اسلام، سکولارهای غیر مذهبی بوده و معتقدند دین شایسته تشکیل نظام سیاسی و مدیریت کشور را ندارد و محصور به مسائل فردی و عبادات است، البته عده ای از سکولارها هم معتقد بودند دین اصولاً مضر و افست جامعه است. دسته دیگری از مخالفان حاکمیت اسلام، به دین اعتقاد دارند اما می گویند اسلام نباید به سیاست آلوده شود، این افراد در واقع سکولارهای مذهبی هستند و به دخالت و حاکمیت دین در شئون زندگی سیاسی اجتماعی، اعتقادی ندارند.

دسته دوم مخالفان مردم سالاری دینی، به دین اعتقاد دارند اما می گویند مردم در حاکمیت دینی هیچ کاره اند و دین باید بدون اتکا و نقش آفرینی مردم حکومت تشکیل دهد که شکل افراطی این نظر، در سال های اخیر در شکل گیری گروه داعش ظاهر شد. مخالفان مردمی بودن جمهوری اسلامی را نیز دو دسته دانستند جمعی از این مخالفان، لیبرال های سکولار هستند که می گویند دموکراسی و مردم، سالاری را باید لیبرال ها و تکنوکرات ها ایجاد کنند و این مسئله ربطی به دین ندارد.

ایرانیست

